همبستگی

نشریه حزب همبستگی افغانستان

۳۴

اسد ۱۳۹۴
(اگست ۲۰۱۵)

با راندن اشغالگران و چوکره‌های داخلی شان
روح جانباختگان راه آزادی را گرامی بداریم!

در اهتزاز باد پرچم استقلال‌طلبی مردم ما!

صفحه ۱



همبستگی

صاحب امتیاز: حزب همبستگی افغانستان

مدیر مسوول: سیدمحمود همرزم

شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۰۰-۲۳۱۵۹۰

شماره جواز: ۸۷

اهداف ما

- افغانستان مستقل، آزاد، دموکراتیک و یکپارچه.
- وحدت ملی بر پایه استقرار و تحکیم دموکراسی استوار بر سکیولاریزم.
- تساوی حقوق زن و مرد و تمامی ملیت‌های کشور.
- مبارزه بر ضد هر نوع بنیادگرایی، ارتجاع و مداخلات خارجی.
- خروج فوری نیروهای اشغالگر امریکایی و ناتو از افغانستان.
- دفاع از مبارزات آزادیخواهانه و مترقی ملل دربند جهان.

در این شماره:

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵



اعلامیه

ملتی محروم از استقلال، هیچ‌گاهی به عدالت، دموکراسی و ترقی نمی‌رسد!



در آستانه ۹۶مین سالروز استرداد استقلال افغانستان قرار داریم، اما هنوز وطن نگون‌بخت ما در اسارت تام متجاوزان امریکایی و قلاده‌به‌دستان منطقوی‌اش روزهای بس هولناکی را سپری می‌نماید.

امان‌الله خان و یاران مشروطه‌خواه‌اش با عزم راسخ و با درک این نکته که بدون استقلال، یک کشور ناممکن است که راه آزادی و ترقی بپوید، پا به میدان عمل زده، امیر بی‌کاره، عشرت‌طلب و خودکامه را که سد ترقی و شکوفایی سرزمین ما گردیده بود، با یک حرکت قهرمانانه سر به نیست کردند و با کشیدن شمشیر از غلاف در برابر تجاوزکاران انگلیسی، استقلال و آزادی را به بهای خون نیاکان مان برای نسل بعدی به ارمغان آوردند.

اما با تاسف مشتی از جنایتکاران خادی، تنظیمی، طالبی و اکنون داعشی که وطن‌فروشی و مزدورمنشی پیشه کرده‌اند، بر آرمان‌های سترگ استقلال‌طلبانه و مترقی امان‌الله خان و خواست‌های برحق ملت سال‌هاست لجن پاشیده و

اینک همنوا با متجاوزان امریکایی و ناتویی میهن دربند ما را به ماتم فرزندانش نشانده‌اند. ساخت دولت وحشت ملی با دو کله عاری از حس ملی، آفرینش داعش به جای طالب، ناامنی و سیل مهاجرت‌ها، فساد لجام‌گسیخته، فحشا، رشد سرسام‌آور تولید و قاچاق مواد مخدر، بدامنی و خونریزی، بی‌کاری و فقر کمرشکن توام با انتحار و انفجار، دست‌اندازی‌های شیطانی پاکستان و ایران در امور وطن ما و بسا فجایع دیگر، از تحایف غارتگران امریکایی و غلامانش برای توده‌های مظلوم ماست.

اشغالگران امریکایی به‌عنوان صادرکنندگان جنگ و ماشین کشتار برای رسیدن به اهداف ضدبشری شان در سرزمین ما نیز نبض تمامی دشمنان قسم‌خورده ملت را در دست داشته و هرگاهی که منافع استعماری‌اش ایجاب نماید، به آسانی همه جنایتکاران دولتی و غیردولتی را کله به کله نموده در خدمت خواهد گرفت. گزینش داعش به‌جای پروژه پایان‌یافته «طالب جان» که امروز شیادانه بر زخم‌های خونچکان دیرین مردم تحمیل می‌گردد جزئی از سیاست عوامفریبانه امریکا در برابر مردم ما و منطقه است. این روزها قرار است طی یک زد و بند خاینانه دولت میهن‌فروش کابل و رژیم تروریست‌پرور پاکستان تعدادی از این جانیان قرن را به نام «پروسه صلح» به اشاره اربابان شان هم‌دسترخوان غنی-عبدالله در درون ارگ سازند تا شاه و وزیر گردیده با مکیدن آخرین شیره‌های وطن و مردم ما بیشتر از پیش فربه گردند. بناً آنانی که به این نیرنگ و خیانت دل بسته و با طمطراق در صدد فریب مردم برآمده‌اند، وابستگان امریکا و روشنفکران مزدبگیر اند که وجدان شان را در ازای دالر به لیلام گذشته‌اند.

بنیادگرایان متحجر و غداری که تا دیروز سایه شاه امان‌الله خان و هر صدای دموکراسی‌خواهی را به چوب تکفیر می‌بستند، اینک یک‌شبه با غرش طیارات بی۵۲ نکتایی‌پوش و «دموکرات» گردیده و به ساز اشغالگران شادمانه می‌رقصند و با وقاحت تمام محافل جشن و پایکوبی به‌مناسبت استرداد استقلال برگزار می‌نمایند. فکر بویناک و اخوان‌زده‌ی فضل کریم‌ها، ظاهر قدیرها، دین‌محمدها، ملا تره‌خیل‌ها، الله‌گل مجاهدها و سایر چکمه‌لیسان امریکای غارتگر نقطه مقابل افکار مترقی و انقلابی امان‌الله و همراهان او بوده و این قماش عناصر در واقع «ملای لنگ»های عصر کنونی اند. اینان نه به‌خاطر ارج‌نهادن به شخصیت والای امان‌الله و مبارزات درخشانش در راه

کسب استقلال و آزادی، بلکه برای آلوده کردن او و ارزش‌های آزادیخواهانه، که به قیمت جان هم‌دیاران مان حاصل شده است، خاک بر چشم ملت ما می‌زنند. وظیفه هر افغان شرافتمند و عاشق آزادی و عدالت است که با کوبیدن مشت‌های کاری بر دهن این اراذل خودفروخته، از مقام شامخ شاه امان‌الله و همراهان وطندوست و مبارزش به دفاع برخیزد.

مجددا تاکید می کنیم که بر ماست تا با وحدت همگانی و بسیج سرتاسری این ودیعه تاریخی پدران حماسه‌آفرین مان را که همانا ایستادگی در برابر متجاوزان خارجی و دست‌نشاندگان داخلی است، به جا آورده بار دیگر نقاب دروغین چپاولگران بین‌المللی تحت لوای «سازمان ملل متحد»، «مبارزه با تروریزم»، «بازسازی»، «حقوق بشر»، «آزادی زنان»، «جامعه مدنی»، «دموکراسی» و... را بدریم، آنگاه قادر خواهیم بود تا ناف جنایتکاران چهار دهه پسین را که امروزه نیز در زیر یک سقف و از یک گنداب تغذیه می کنند از ناف «ارباب بزرگ جهان» جدا ساخته و به‌مثابه عوامل تیره‌روزی‌های ملت و تباهی وطن ما به محاکم ملی و بین‌المللی بسپاریم تا درس عبرتی باشد برای نوباوگان شان.

«حزب همبستگی افغانستان» به‌مناسبت گرامی‌داشت ۹۶مین سالروز با شکوه استرداد استقلال میهن ما، خود را متعهد به خون هزاران هزار شهید راه استقلال و آزادی دانسته برای افغانستان عاری از هر نوع استبداد و مبتنی بر دموکراسی و عدالت اجتماعی بی‌هراس می‌رزمد. ولو نوکران پلید بیگانگان هزار بار گلو بدرند که «استقلال مفهوم کهنه‌شده است»، ما با پرچم پرافتخار شاه امان‌الله و یارانش، تا آخرین رمق برای کسب استقلال و تمامیت ارضی وطن دیدنی‌دار ما و جاروب‌کردن چتلی‌خوارانش از خاک مقدس ما جانفشانی خواهیم نمود، چون تاریخ هزاران بار به اثبات رسانیده است ملتی که استقلال نداشت، برده اجانب بوده هرگز به جاده ترقی، دموکراسی و عدالت گامزن نخواهد شد.

با راندن اشغالگران و چوکره‌های داخلی شان روح جانباختگان راه آزادی را گرامی بداریم!

در اهتزاز باد پرچم استقلال‌طلبی مردم ما!

حزب همبستگی افغانستان

۲۸ اسد ۱۳۹۴ (۱۹ اگست ۲۰۱۵)

همایش حزب همبستگی در یادبود از حماسه‌آفرینان استقلال افغانستان

۲۹ اسد ۱۳۹۴ – کابل: حزب همبستگی همایشی را در قصر دارالامان در یادبود از حماسه‌ی قهرمانان استقلال افغانستان ترتیب داده بود. خانم سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی، ضمن ابراز تبریک ۹۶مین سالروز استقلال بربادرفته کشور به مردم زجرکشیده این سرزمین، بیان داشت:

«امروز مصادف است با ۹۶مین سالروز استرداد استقلال افغانستان، استقلالی که طالب عزم و اراده قوی ملت بود و آزادیخواهان شجاعی چون امان‌الله خان، محمود طرزی، غلام نبی خان چرخی، ولی خان دروازی و جانباختگان بی‌شماری که با هم تعهد کردند و ذره‌ای به منافع شخصی، قومی، لسانی، مذهبی و گروهی فکر نکردند جز وطن و مردم. اما با تاسف تمامی دولت‌های بعد از شاه امان‌الله خان که در اینجا روی کار آمدند، وابسته و مزدور بوده‌اند. مخصوصا بعد از سیه‌روزهای ۷ و ۸ ثور، روزهایی که کشور ما رسما استقلال خود را از دست داد. دیروز ملت ما در برابر استعمار انگلیس و تجاوز آشکار روس به جنگ و مقاومت برخاسته و پرچم آزادیخواهی و بیگانه‌ستیزی را بلند کرد که برای ملل دربند منطقه سرمشق رهایی از یوغ استبداد و اشغالگران بود. امروز افغانستان توسط ۴۱ کشور به سرکردگی امریکا اشغال شده است، و از جانب دیگر دست‌اندازی‌های خاینانه دولت‌های پاکستان و ایران که جز ویرانی و تباهی ارمغانی در پی نداشته است. اینان ما را فاقد استقلال و آزادی ساخته‌اند.

در این روزها مزدبگیران استعمار در قالب "صاحب‌نظر" و "آگاه مسایل سیاسی" گلو پاره می‌کنند که در قرن ۲۱ مفهوم استقلال تغییر کرده و این مقوله کهنه شده است. آن روشنفکرانی که مفهوم استقلال را نفی می‌کنند، در حقیقت جاسوسانی هستند که باید به‌مثابه دلالان سرسپرده سی‌آی‌ای، آی‌اس‌آی، واواک و ام‌آی۶ رسوا ساخته شوند. آنان به‌عنوان بلندگوهای امریکا می‌خواهند با فریب مردم، حضور خونین نیروهای امریکایی و ناتو را توجیه کنند.»

در ادامه خانم غفار در یک مقایسه کوتاه وضعیت دولت امانی و حکومت وحشت ملی امروزین را چنین شرح داد:

«با آن که مقایسه دوره امانی و اصلاحات گسترده آن زمان با حکومت فعلی بسیار دردآور و حق‌تلفی در برابر بانیان استقلال است. اما برای درسگیری فقط چند نکته را می‌خواهم یادآور شوم:

یکی از دستاوردهای آن زمان برداشتن گام‌های استوار در راه رهایی زنان به ویژه توجه جدی به آموزش زنان و در مجموع معارف بود. اولین مکتب دخترانه در شهرآرای کابل گشایش یافت. اولین نشریه زنان به نام ارشادالنسوان منتشر شد. ملکه ثریا خود پیشتاز تمام حرکت‌های تجددطلبانه بود. دزدانی مانند قانونی و فاروق وردک وجود نداشتند که میلیون‌ها دالر معارف را به جیب بزنند و از دارایی ملت و خون مردم برای خود و خانواده خود زندگی افسانوی بسازند. ویروس بنیادگرایی در معارف هنوز شیوع نیافته بود. زنان توانسته بودند با تلاش‌ها و خودگذری‌های خود به پله‌های ترقی و پیشرفت راه یابند، نه به مثل امروز که از به‌اصطلاح دستاوردهای تحفه داده‌شده در زمینه حقوق زنان توسط بیگانگان صحبت می‌شود.

حس وطندوستی شاه امان‌الله و یارانش را می‌توان در زمینه رشد تولیدات داخلی نیز به خوبی درک کرد. او بارها تاکید می‌کرد که مردم و بخصوص ماموران دولت از تولیدات داخلی استفاده کنند، از سفارتخانه‌های خارجی خواسته شده بود تا از گوگرد وطنی استفاده کنند. اما سران حکومت وحشت ملی و اطرافیانش حتی لوازم ابتدایی خانه‌های شان را از دوبی و غرب می‌آورند.

برخورد حکومت امانی با متخلفان دولتی نیز ستودنی است. هنگامی که کوچکترین مورد را متوجه می‌شد، به زودی اقدام نموده و شدیدترین جزا را برای شان می‌داد. اما در حکومت رسوای فعلی دزدان ثروت‌های ملی، جنایتکاران و متخلفان به قهرمان بدل شده و صدها لقب و موقف کاذب دیگر را به دست می‌آورند.»

این همایش با تیاتری که دوره‌ی مبارزات شاه امان‌الله خان و یارانش را به تصویر کشیده و راه حل امروزی را نیز مبارزه به سان نیاکان مان نشان می‌داد، به پایان رسید.


با بسیج و ایستادگی در برابر
در راه استقلال
و آزادی به پیش!
حزب همبستگی افغانستان
www.hambastagi.org
fb.com/hambastagi






تجاوزگران امریکائی و پاکستانی و نوکرانش،
در راه استقلال


در برابر
امریکائی و پاکستانی و نوکرانش،
حزب همبستگی افغانستان



اعلامیه



ملا عمر جاهل،
بازیچه دست امریکا و پاکستان بود!



دو دهه تمام مردم نگونبخت ما با فرمان‌های صادرشده از آدرس یک فرد جاهل، جانی و مجهول‌الهویه به نام ملا محمد عمر، خونریزی و تباهی و دردهای جانکاه را تجربه کردند. ملا عمر نماد وطنفروشی و جهالت و بربریت بود و «تحریک» طالبان نیز منحیث خونخوارترین، ضدانسانی‌ترین و ضدزن‌ترین گروه در تاریخ کشور ما ثبت گردید.

دیگر راز رسواییست که ملا عمر و گروهش از پروژه‌های ساخته و پرداخته امریکا و انگلستان بود که از طریق پاکستان به آن سروسامان دادند. ملا عمر به‌مثابه «ملای لنگ» عصر کنونی، یک گدی‌گک بی‌اراده در دست دستگاه شیطانی آی‌اس‌آی بود که سال‌ها او را در خانه‌های امن در کویته و کراچی در چنگ شان اسیر نگه‌داشتند، ولی در رسانه‌ها تحت نام «امیر المومنین» با امضای او اعلامیه صادر کرده و وحشت آفریدند. روزی که تاریخ استفاده این

دلقک به پایان رسید، مرگ مرموز و ذلتبارش از سوی بادارانش اعلام گردید.

طالبان با زنجیر بردگی بیگانگان بر گردن، همسـان همفکران تنظیمی شان، افغانسـتان را به قهقرا برده، مردمش را غرق ماتم و نگونبختی ساختند. طالبان محصول سیاست‌های اسـتعماری امریکا در جریان «جنگ سرد» بودند و کاخ سـفید هرچند در ظاهر با آنان درگیر جنگ بود، اما برای اشـغال افغانستان و جابجایی پایگاه‌های نظامیش بیشترین سود را از این غلامانش برد. بی‌مناسب نبود که جو بایدن، معاون اوباما، رسـما اظهار داشت که «طالبان دشمن ما نیست!». به همین دلیل، طی ۱۵ سـال گذشـته با حضور ده‌ها هزار نیروی اشـغالگر در وطن ما، نه‌تنها این جانیان ریشـه‌کن نشـدند که روز تا روز قدرتمندتر شـده، حتا تعدادی از رهبران آدمخوار شان در دولت پوشالی کابل جابه‌جا گردیدند.

طالبان برای مرگ امیر شـان سـه روز عزای عمومی اعلان کردند، اما سر به نیست‌شـدن لاشـه‌های گندیده‌ای چون ملاعمر، جلال‌الدین حقانی و تمامی شـرکای جرم و بـرادران ایدیولوژیک تنظیمی شـان، برای مـردم ما نه عزا که روز ابراز خشـم و انزجار همراه با جشن و سـرور است. در مرگ جلادان غـداری چون ملا عمر فقط افـراد پلیدی نظیر وحید مژده، روسـتار تره‌کی، اسحق نگارگر، نبی مصداق، کرزی و دیگران شاید عزادار باشند، اما نه مردمی که انتحار و انفجار و اختطاف و انواع وحشـیگری‌های طالبان هسـتی شـان را زجرناک و شکنجه‌بار ساخته است.

تغییـر چهره‌ها در رهبری یک نیـروی با تمام تاروپود وابسـته و ماورای مرتجـع هیچ اثری بر ماهیت آن و اوضاع افغانسـتان نخواهد داشـت. اما جلو تضادهـای درونی اینان را صاحبان خارجی شـان هم نمی‌توانند بگیرند، بناءً به زودی شـاهد شـکم‌دریدن‌ها در رده رهبری طالبان خواهیم بود. اگر ده‌ها ملا عمر به زباله‌دان تاریخ سـپرده شـوند، تا وقتی دستان پرخون و خیانت خالق و حامی شـان امریکا و پاکستان از وطن ما کوتاه نشود، این مردارشدن‌ها سودی به حال ملت ما نخواهد داشت.

مـلا عمر و دیگـر خاینان طالبـی را اگر کرزی و غنی و عبـدالله و دیگر پوشالیان ارگ‌نشین هزار بار «اپوزیسـیون مسلح» و «برادران ناراض» نامیده ناز دهند، اما تنها به‌خاطر ویرانی مجسـمه‌های بودای بامیان هم که شـده اینان را مـردم ما و تاریخ هرگز نخواهند بخشـید. گذشـته از آن تک تک رهبران طالب چون ملا اختر منصـور، عبدالقیوم ذاکر، منصور دادالله، ملا عبدالمنان،

سراج‌الدین حقانی، سید طیب آغا، وکیل‌احمد متوکل، ملا ضعیف، خیرالله خیرخواه، آغاجان معتصم و غیره به خاطر قتل‌عام یکاولنگ و مزار و زمین سوخته شمالی و ددمنشی در برابر زنان ما هزار بار منحیث جنایتکاران جنگی و خاینان ملی محکوم به اشد مجازات اند.

آن به‌اصطلاح روشنفکران و جیره‌خواران طالبان که این نیروی سیاه و قرون‌وسطایی را «جنبش ملی» وانمود می‌سازند در وهله اول پلشتی خود را به نمایش می‌گذارند. نیرویی که با هزار رشته به استخبارات پاکستان وابسته است و مادر معنوی شان بینظیر بوتو ریشه انگریزی و امریکایی شان را فاش نمود، چگونه ممکن است ذره‌ای از «ملی»بودن را در خود داشته باشد؟ همین اکنون رده‌هایی از طالبان به دامان رژیم ضدبشری «ولایت فقیه» افتیده منحیث مهره‌های کثیف دستگاه آخندی ایران در کشور مصروف قتل و کشتار اند. این باند ضدملی ارزان خود را به این و آن دولت فروخت و در جهت منافع اجانب، ضربات دردناک و کوبنده‌ای بر اقتصاد، فرهنگ، تاریخ و سایر عرصه‌های جامعه ما وارد کرد.

زندگی برده‌وار و مرگ زبونانه ملا عمر درس عبرتی به تمامی جنایتکاران و چاکران بیگانگان است. تا وقتی اینان برای بادار مورد استفاده دارند، با تحقیر از آنان سود می‌برد، اما روزی که تاریخ مصرف شان به پایان رسید، با خواری و ذلت اینان را دور می‌اندازند. این سرنوشت محتوم تمامی عناصر میهنفروش و خاین است.

حکومت «وحشت ملی» در حالی با شعف و طمطراق از شروع مذاکرات صلح با طالبان سخن می‌گوید که پروژه طالب به پایان عمرش نزدیک می‌شود و اراذل طالبی بیرق سفید را به سیاه بدل می‌کنند تا تحت نام «داعش» دور دیگری از فاشیزم و ستمگری‌های شان را آغاز کنند. این «پروسه صلح» هرگز پیامد مثبت و امیدبخش برای ملت ما در قبال نخواهد داشت، جنگ و خونریزی کماکان ادامه خواهد یافت، چون امریکا و ارتش جنایتکار پاکستان هنوز هم برنامه بی‌ثبات‌سازی منطقه را با جدیت دنبال کرده، به هیچ‌صورت مشتاق صلح نیستند. این مذاکرات نیرنگی است تا تعدادی از آدم‌کشان طالبی را زیر نام «میانه‌رو» تطهیر نموده، وارد دستگاه دست‌نشانده کابل سازند.

صلح واقعی فقط زمانی می‌تواند در افغانستان حاکم گردد که تمامی میهنفروشان طالبی، گلبدینی، تنظیمی و داعشی از وطن ما ریشه‌کن شده، دست

صاحبان خارجی شــان نیز از سرنوشت ما کوتاه گردد. رسیدن به این خواست بزرگ، صرفا با اتحاد سراســری و مبــارزه پیگیر، آگاهانه و مصممانه مردم ما میسر اســت و بس. تنها با آموختن از روحیه بلند و رزم شرافتمندانه و انقلابی زنان و مردان قهرمان کوبانی، می‌توانیم افغانســتان را از ویروس بنیادگرایی و ارتجاع و اشغال نجات بخشیم.

«حــزب همبســتگی افغانســتان» به این باور اســت که امریــکا و نوکران نکتایی‌پــوش‌اش با معاملات پــس پرده با طالبــان زیر نام زیبــای «صلح» از تشــنگی مردم ما برای امنیت و ختم جنگ سوءاستفاده رذیلانه نموده، در خفا برای فروبردن عمیقتر وطن مــا به گرداب بدامنی و بی‌ثباتی برنامه می‌ریزند. رویدادهای جاری جهان گواه آن است که استراتژی منطقوی پنتاگون، گزینه وحشــت‌آفرینی و جنگ‌افروزی را منحیث آخرین حربه برای حفظ هژمونی جهانــی امریکا ترغیب می‌کند تا رقبای آســیایی‌اش را در آتش آن زمین‌گیر ســازد. اگر در برابر این موج، متحدانه سینه ســپر نکنیم، افغانستان ما روزهای سیاه‌تر و خونین‌تری را تجربه خواهد کرد.

حزب همبستگی افغانستان

۱۱ اسد ۱۳۹۴ (۲ اگست ۲۰۱۵)

تجمع اعتراضی حزب همبستگی در تقبیح جنایات طالبان

۱۱ اسد ۱۳۹۴: اعضا و هواداران حزب همبستگی در تقبیح جنایات طالبان تجمع اعتراضی‌ای را در شــهر کابل ترتیب دادند که در آن بیشــتر از ۵۰۰ زن و مرد اشــتراک ورزیده بودند. معترضــان پلاکارت‌های حاوی تصاویر دوره تاریــک طالبان و قربانیــان انتحارها و انفجارهای این جنایت‌پیشــگان را حمل می‌نمودند. در ضمن، شــعارهایی به دری، پشتو و انگلیسی نیز نوشته شده بود: «طالبان جاهل، مزدوران بی‌اراده پاکســتان و امریــکا اند!»، «معامله با قاتلان زرمینه‌ها، بی‌شرافتی و غداری اســت!»، «از گورهای هموطنان معصوم ما در یکاولنگ و مزار و شــمالی فریاد انتقام بلند است!»، «ملا عمر، دلقک امریکا و پاکســتان و مسبب این ســفاکی‌ها بود!». در پلاکارت‌هــای دیگر تصاویر چلیپاخــورده رهبران طالبان همچون وکیل‌احمــد متوکل، آغاجان معتصم، ملا

عبدالســلام ضعیف، سید محمد اکبر سادات، عبدالحکیم مجاهد، ملا اخترمحمد منصور، مولوی قلم‌الدین، طیب‌آغا طالــب، عبدالحق وثیق، خیرالله خیرخواه، محمد فاضل آخند و همفکر شــان گلبدین دیده می‌شود. بر علاوه، عکس‌های چلیپاشــده‌ی روشــنفکرکان جیره‌خوار طالبان مانند وحید مــژده، رحمت‌الله هاشمی، اسحاق نگارگر و روستار تره‌کی نیز به نظر می‌رسید.

سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی، در سخنرانی‌اش گفت:

«طالبان برای مرگ امیر شــان ســه روز عــزای عمومی اعلان کردند، اما سر به نیست‌شــدن لاشه‌های گندیده‌ای چون ملاعمر، جلال‌الدین حقانی و تمامی شــرکای جرم و بــرادران ایدیولوژیک تنظیمی شــان، بــرای مردم ما نه عزا که روز ابراز خشــم و انزجار همراه با جشن و سرور است. در مرگ جلادان غداری چون ملا عمر فقط افراد پلیدی نظیر وحید مژده، روستار تره‌کی، اسحق نگارگر، نبی مصداق، کرزی و دیگران شاید عزادار باشند، اما نه مردمی که انتحار و انفجار و اختطاف و انواع وحشــیگری‌های طالبان هســتی شان را زجرناک و شکنجه‌بار ساخته‌است.»

در اخیر این تجمع اعتراضی بــا تیاتر خیابانی‌ای که جنایات دوران خفقان طالبان را به تصویر می‌کشید، به پایان رسید.

سیلی غفار، سخنگوی حزب همبستگی در برنامه «آماج» تلویزیون «یک» (۷ اسد ۱۳۹۴ - ۲۹ جولای ۲۰۱۵): «**پروسه صلح یک نیرنگ است!**»



لینک ویدیوی مصاحبه در یوتیوب: youtube.com/watch?v=BIVgx2HbXck


حزب همبستگی افغانستان
www.hambastagi.org
معامله با قاتلان زرمینه‌ها،
بی‌شرافتی و غداری است!


طالبان جاهل،
مزدوران
بی‌اراده
پاکستان
و امریکا اند!
حزب همبستگی افغانستان
www.hambastagi.org


سران طالبی بازیچه امریکا و پاکستان
معامله با این وحشیان خیانت به مردم


به خون
صائمه گک شهید
سوگند!
که تا آخر از مبارزه
علیه بنیادگرایان و
اربابان خارجی شان
دست نخواهیم کشید!
حزب همبستگی افغانستان
www.hambastagi.org
Mullah Omar
and his
crime partners
must be
prosecuted
a thousand times
for destroying of
Buddha Statues!


طالبان د خپل تنظیمي
ورونو په خیر یي
د ولس پر وړاندې محکوم
او مخ توري دي.
حزب همبستگی افغانستان
www.hambastagi.org


ملا عمر جاهل
مثل تمامی سران طالبی بازیچه امریکا و پاکستان بود،
معامله با این وحشیان خیانت به مردم ماست!
حزب همبستگی افغانستان
HAMBASTAGI.ORG

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵



امان‌الله خان: اگر عالم و دانا باشید احدی بر حقوق تان تجاوز نمی‌تواند



امان‌الله خان یگانه شاه ترقی‌خواه و وطندوست بود که با کسب استقلال افغانستان تلاش ورزید که کشور ما را از عقب‌ماندگی و جهالت به سوی علم و روشنایی رهبری نماید. مداخلات استعماری انگلیس‌ها، که موجودیت یک افغانستان آزاد و مرفه را تهدیدی برای خود می‌شمردند، باعث شد که با اتکا به یک مشت وطنفروش و غدار حاکمیت او را سرنگون کرده افغانستان را دوباره به دست ارتجاع بسپارند. امان‌الله خان با همه اشتباهاتی که مرتکب شد، اما برای استقلال و ترقی کشورش عشق عمیق داشت که از لابلای نطق‌هایش نیز می‌توان به آن پی‌برد. در ذیل سخنرانی وی در مراسمی به تاریخ ۹ حوت ۱۳۰۳ در کابل را از جریده «حقیقت» نقل می‌کنیم:

نطق اعلیحضرت غازی بجواب ملت افغانی

منبع: جریده «حقیقت» چاپ کابل، ۱۹ حوت ۱۳۰۳

ملت عزیز من!

ازین تبریکات و الطافیکه بمن عاجز فرمودید، خیلی ممونیت خودم را عرض میکنم، خدایم بهتر میداند که من هیچ حیات و بهبود و زندگانی خود را بکار ندارم فقط حیات باشرف و آرامی و استقلال و رفاه عمومی شما ملت را آرزومندم و بس! استقلال و ترقیات را که خداوند تعالی از لطف و مرحمت خویش بشمشیر عسکر دلیر و همت شما قوم شجاعم بافغانستان عطا کرده است و شما آنرا بمن عاجز نسبت میدهید ازین قدردانی شما ملت عزیزم متشکر و ممنون هستم. عقاید اسلامی ما همه وقت ما را بلطف خداوند امیدوار میدارد و همه کارها را پروردگار ما انجام میدهد دیگران بعالم اسباب یکواسطه هستند، استقلالیکه ما و شما به آن نائل شده‌ایم تماماً از مرحمت و لطف خدای مهربان است.

و گرنه من همان خاکم که هستم.

باز الحمدلله که ما مستقل هستیم. و این دوره شش ساله خود را با استقلال و حیات باشرف گذراندیم. و از خدای خود میخواهم که ملت افغان تا سال های سال مستقل و با شرف و معزز و سرفراز باشد!

اگر شما عالم و دانا باشید گاهی بر حقوق شما احدی تجاوز کرده نمی‌تواند.

چیزیکه استقلال و شرف دائمی شما را نگهبانی میکند عرض میکنم که چند چیز است:

اول خدمت باشرف عسکری که بر هر فرد مسلمان یک امر ضروریست باید که زیاده بر زیاده عسکر خود را تقدیر کنید و ضابطان خود را بیک نظر عزت و احترام ببینید و خدمت عسکری را یک خدمت بزرگ مسلمانی بشمارید!

دیگر ترقیات علمی و عرفانی است. زیرا ملتیکه عالِم نباشد ابداً حقوق خود را محافظه کرده نمیتواند و ضرور دیگران دست تعرض خود را بر حقوق مشروعه او دراز میکنند.

ترا علم در دین و دنیا تمام ـــــ که کار تو از علم گیرد نظام

اگر شما عالم و دانا باشید گاهی بر حقوق شما احدی تجاوز کرده نمیتواند. تنها توصیه من عاجز برای شــما در همه وقت مزید شوق محبت شما ملت است بخدمات عسکری و معارف!



تجلیل از جشن استقلال در پغمان در زمان شاه امان‌الله خان

حقیقتاً تا شــما در معارف کوشــش نکنید و تمام اهالی نادان خود را بیک درجه عرفان نرسانید، آزادی و استقلال خود را محافظه کرده نمیتوانید!

هم چنین زراعت، و تجارت نیز محافظ اســتقلال میباشــد، باید تجارت شما خوب باشــد و زراعت گران تان بســیار جدی کار نمایند تا از عرق جبین آنها برای ملت و مملکت وارداتی بعمل آمده ازین عائدات، عســکر و معارف شما ترقی کند!

اگر شما خیال کنید که ما استقلال را مالک شده‌ایم پس باید آسایش ورزیم و آرام کنیم، غلط اســت. اگرچه شــما را کاهل نمی‌بینم و هیچ سستی و تنبلی را لِلهِ‌الحمد در شــما ملت عزیزم مشــاهده ننموده‌ام بازهم تاکید میکنم که باید شــما بسیار جد و جهد و کوشش نموده عسکر و معارف و زراعت و تجارت و دیگر امور مدنی خود را ترقی بدهید که در واقع همین چیزها استقلال شما را محافظــه میکند. باقی از خدای خــود آرزو دارم که ملت افغان را بهترین ملت های روی جهان بگرداند و خداوند ما قادر است که ما را بدین مقاصد حسنه ما

کامیاب کند. زیرا که ما بجز از دربار کبریائی او بدیگری امید نداریم.
اگر شما عالم و دانا باشید گاهی بر حقوق شما احدی تجاوز کرده نمیتواند. تنها توصیه من عاجز برای شما در همه وقت مزید شوق محبت شما ملت است بخدمات عسکری و معارف!

تو کریم مطلق ومن گدا، چه کنی جزاینکه نخوانیم
دردیگری بنما بمن، بکجا روم که برانیم

تبریکی که شما و وکلای شورای دولت باین خادم ملت فرمودید از آن تشکر میکنم، قدردانی و حوصله‌افزائی های شما آتش عشق وطنم و آرزوی ترقیات شما را بدل من دو چند میسازد و شب و روز بجز از رفاه و آسوده‌حالی تان بدیگر چیزی کوشش ندارم. از الطاف خداوند خود ترقیات بسیاری آرزو داریم و خداوند هیچ وقت دوستان خود را از دربار خود ناامید نمیسازد!
درین شش سال صاحب منصبان و افراد رساله شاهی علاوه بر وظائف عسکری خود ها خدمات شایسته برای شخص من انجام داده اند و در هیچ وقت و فرصت از من جدا نشده اند و با یک قلبی مملو از وفا ابراز صداقت کرده اند. من از رساله شاهی اظهار رضامندی میکنم و به تقدیر خدمات آنها که نسبت به شخص خود من است برای همه نشان وفا منظور کرده ام و اینک برای آنها در همین شب که یکشب مبارک و خوب است نشانهای شانرا بدست خود تقدیم میکنم و به دیگران شان در آتیه داده میشود. (کف زدنهای شاد)



رقص ملی عسکری در جریان تجلیل از جشن استقلال در عصر شاه امان‌الله خان

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵



نویسنده: فرزاد

با مرگ حمیدگل، سران اخوانی افغانستان یتیم شدند



حمیدگل رییس سابق آی‌اس‌آی که حکم پدر معنوی تمامی سران تنظیم‌های هفتگانه و طی سال‌های گذشته طالبان را داشت و از او منحیث «ماستر مایند - مغز چیره» تروریزم و وحشت بنیادگرایی در منطقه نام برده می‌شد، به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۱۵ با کوله‌باری از جنایت و ترورافکنی به زباله‌دان تاریخ رفت.

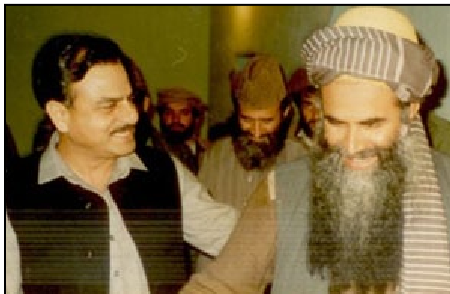
در مورد پلیدی‌ها و خیانت‌های این جنرال پاکستانی که سال‌ها به کشور ما جانی و تروریست فرستاد و یکی از عوامل تیره‌بختی‌های مردم ما بود زیاد گفته شده‌است. در کنار جنرال ضیاءالحق، جنرال اختر عبدالرحمن، دگروال یوسف، کرنل امام، مولانا فضل‌الرحمن، نصیرالله بابر، نواز شریف، مولانا سمیع‌الحق، اسد درانی وغیره، حمیدگل از رذالت‌پیشه‌ترین مهره‌های استخبارات نظامی پاکستان بود که دستان خونین در کشور ما داشت.

با مرگ حمیدگل، «تحلیلگران» و «مفسران» رسانه‌ای افغانستان آنچنان

علیه او به سخن‌پردازی مشغول شدند که یکی از آنان خواهان بیرون‌کردن جسدش از قبر و جزادادنش شد! در این که حمیدگل در تباهی افغانستان نقش داشت شکی وجود ندارد، ولی عامل اصلی موثربودن نقشه‌های او برای ویرانی افغانستان را باید در داخل کشور جستجو کرد. اگر اراذل و خاینان داخلی و رهبران تنظیم‌ها به آسانی زنجیر غلامی حمیدگل‌ها را به گردن نمی‌انداختند، آیا او بازهم موفق می‌شد به این حد وطن ما را به خاک و خون کشانیده برباد سازد؟ این «تحلیلگران» اگر شهامت و وجدان دارند باید اولتر از همه میله انتقاد تند شان را بر خفت و خیانت گلبدین‌ها، ربانی‌ها، سیاف‌ها، حقانی‌ها، مجددی‌ها، ملا عمرها وغیره افغان‌های فروخته‌شده و تهی از حس ملی متوجه سازند که منحیث غلامان پاکستان زمینه مداخله ویرانگرانه آی‌اس‌آی را در کشور مساعد ساختند. وقتی این افغان‌ها به وطن و مردم شان رحم نکنند، از یک مهره استخباراتی بدنام‌ترین سازمان جاسوسی جهان چرا باید چنین انتظاری داشت؟









جنرال حمیدگل نقش پدرمعنوی سران تنظیمی افغانستان را داشت و سالها بر آنان به چشم برده‌هایش نگریسته حکم صادر کرد.

این حقیقت دیگر بر همگان روشن است که تمامی سران تنظیم‌های جهادی به حمیدگل منحیث مرشد و پدروکیل شان ارادت خاصی داشتند. بخصوص گلبدین، سیاف و ربانی از مریدان وی بودند که به همین دلیل در جریان شکمبه‌دری‌های

تنظیمـــی در کابل، وقتی ربانی ریاســت به‌اصطلاح دولت را در چنگ داشــت شــخصا از وی تقاضا نمود که بــه کابل آمده منحیث مشــاور او وظیفه انجام دهد و احمدشــاه مســعود اســناد خاد را نیز به او تقدیم نمود. براســاس همین چاکری بنیادگرایان به آی‌اس‌آی بود که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴، حمیدگل در مصاحبه‌ای با تلویزیون «دنیا نیوز» دبل عبدالله را «بهترین امید برای صلح افغانســتان» نامیده گفت «در آن زمــان [۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵] در مهمانخانه احمدشاه مســعود زندگی می‌کردم و عبدالله وظیفه داشت که از من مراقبت کند، بنابرین او را تقریبا هر روز ملاقات می‌کردم.»



از راست به چپ: میلتن بیردن (مسئول سی.آی.ای در اسلام آباد)، ریچارد کر (معاون سی.آی.ای.)، روبرت اوکلی (سفیر امریکا در اسلام آباد)، جنرال حمید گل (رئیس آی.اس. آی.)، ویلیام ویبستر (رئیس سی.آی.ای.)، ربانی، گلبدین.
تصویر بالا که یک ملاقات مخفی گلبدین و ربانی را در ۱۹۸۸ با مقامات بلند پایه سی.آی. ای. و آی.اس.آی. نشان می‌دهد از کتابی تحت عنوان «دشمن اصلی» نوشته میلتن بیردن گرفته شده است. میلتن طی سالهای ۱۹۸۶ الی ۱۹۸۹ مسئول مهمترین مرکز سی.آی.ای. در آسیا بود که در اسلام آباد موقعیت داشت. او رسانیدن کمکهای امریکا به بنیادگرایان افغان را تنظیم می‌نمود.
احزاب بنیادگرای افغانستان و بخصوص حزب اسلامی گلبدین و جمعیت اسلامی ربانی عمده ترین دست پرورده های سی.آی.ای. طی جنگ سرد به شمار می‌رفتند و قسمت عمده کمکهای امریکا را بدست می‌آوردند. اینان روابط عمیقی با سی.آی.ای. و آی.اس.آی. داشتند و مطابق اوامر آنان فعالیت می‌کردند. این احزاب ضدملی و خاین تا امروز رشته هایشان با استخبارات خارجی را حفظ نموده‌اند.

دیــروز که حامیان و همفکران ملا عمر چــون حکیم مجاهد، متوکل، عمر زاخیلــوال و دیگران برای این نماد بربریت و جهالت در کابل دســت دعا بلند کردنــد، حال نوبت عبدالله، صلاح‌الدین ربانی، عطــا، گلبدین، قانونی، غیرت بهیر، ســیاف، مجددی، محقق، گیلانی و نظایر شــان است که بدون شرمک و ترس، دَین شــاگردی ادا نموده برای صاحب پاکستانی شان مراسم عزاداری و

نوحه‌سرایی برپا دارند!



جنرال حمیدگل از حامیان و ایدیولوگ‌های اصلی گروه‌های تروریستی پاکستان است. در این عکس حمید گل (نفر پنجم از چپ) با رهبران گروه‌های بنیادگرای پاکستان دیده می‌شود. در این میان حافظ سعید (دوم از چپ) رهبر «لشکر طیبه پاکستان» است که از خطرناک‌ترین تروریست‌های جهان به‌شمار می‌رود و امریکا ده میلیون دالر جایزه برای سر او تعیین کرده است. «لشکر طیبه» مسوولیت چندین حمله وحشیانه در افغانستان را نیز به دوش گرفته است.

حمیدگل از پالیسی‌سازان مهم برای به زنجیرکشیدن افغانستان بود. با خروج قشون روس از افغانستان، در جولای ۱۹۸۸، او در نامه‌ای به ضیاءالحق، طرحی را برای به انقیاد درآوردن کامل افغانستان پیشکش کرده نوشت:


روزنامہ جنگ راولپنڈی (8) ہفتہ 27 جون 1992ء

حمید گل کو افغان اسلامی حکومت کا مشیر بننے کی پیشکش

روزنامه جنگ راولپندی (۲۷ جون ۱۹۹۲):
«رییس‌جمهور افغانستان، پروفیسور برهان‌الدین ربانی، در جریان ملاقات با جنرال حمید گل در اسلام آباد از خدمات وی ستایش به عمل آورده، از وی خواست تا به کابل آمده و منحیث مشاور دولت جمهوری اسلامی افغانستان خدمت نماید. در این اثنا جنرال حمید گل از رییس‌جمهوری افغانستان تشکر نموده، گفت هیچ‌گونه پاداشی نخواهد پذیرفت....»

«در منطقه خلایی به‌مثابه‌ی پیامد خروج قوای شوروی از شهر کابل به وجود خواهد آمد که ما باید آن را پر نماییم.... ضرورت است که پاکستان یک کنفدراسیون را با

افغانستان تاسیس نماید. این کار ممکن است زیر عنوان متحد ساختن کشورهای اسلامی به‌خاطر صلح و امنیت و ثبات در منطقه انجام یابد تا از نفوذ کمونیستی جلوگیری به‌عمل آید.

هدف عمده در حال حاضر این است که تنظیم‌های پایدار برای حکومت آیندهٔ اسلامی در یک افغانستان آزاد به‌وجود آید که طرفدار پاکستان باشد و به‌طور داوطلبانه به ایجاد یک کنفدراسیون پاکستان افغانستان که پاکستان در آن نقش عمده را ایفا خواهد کرد موافقه نماید. صرف چنین اقدامی می‌تواند یک توازن استراتژیک در منطقه به‌وجود آورد. در چهارچوب این کنفدراسیون سرحدات باید از بین برود و یک ساختار مشترک اقتصادی تشکیل یابد. این امر امکان خواهد داد که به ساحات یورانیم در افغانستان دسترسی کسب نمود و برنامه‌ی هستوی خویش را عملاً از منابع خارجی مستقل نمود.

رهبران اتحاد احزاب هفتگانه کاملاً به ما بستگی دارند. برخی از آن‌ها با ما کار نموده و پشتیبانی راسخ خود را وعده داده‌اند. ما باید تا پیروزی کامل، مجاهدین را تقویه نماییم.» (برگرفته از کتاب «سال‌های جهاد و مقاومت» از نویسنده جمعیتی، محمد اکرام اندیشمند)



حمید گل با سیاف، گلبدین، حقانی و دیگران

میزان بی‌اراده‌بودن و نوکری سران تنظیم‌های هفتگانه به آی‌اس‌آی و شخص حمید گل را لازم نیست در آرشیوهای آی‌اس‌آی جستجو کرد، از لابلای نشریات تنظیم‌ها نیز می‌توان به آن دست یافت. نشریه «مجاهد» ارگان نشراتی «جمعیت اسلامی افغانستان» به تاریخ ۱۷ جنوری ۲۰۱۳ نوشت:

«سال ۱۹۷۹ میلادی برای مجاهدین با یک خبر عاجل آغاز شد. به رهبران تمام تنظیم‌های جهادی مستقر در پشاور خبر داده شد تا با اعضای شورای اجرائیهٔ شان به کمپ جلوزو در پشاور حضور بهم رسانند. این گردهمائی توسط جنرال حمید گل رئیس اداره استخبارات نظامی اردوی پاکستان آی.اس.آی در روز اول جنوری که فقط شش هفته به خروج نیروهای روسی از افغانستان باقی مانده بود، فراخوانده شد. در این جلسه برعلاوه از رهبران هفت تنظیم، یکصد وچهل تن از اعضای شورای اجرائیهٔ آن تنظیم ها، از هر تنظیم بیست نفر، شرکت کرده بودند. حمیدگل طی سخنانی با تندی بسیار، رهبران مجاهدین را به‌خاطر اختلافات شان، مورد انتقاد قرار داد و از اعضای اجرائیهٔ تنظیم‌ها خواست که بیش از این در انتظار وحدت رهبران شان نمانند و در مدت سه روز طرحی برای آیندهٔ افغانستان ارائه داده و دولتی تشکیل دهند. قرار بر این شد تا یک شورای ۴۲۰ نفری که از هر تنظیم ۶۰ نفر در آن شرکت داشته باشند، تشکیل گردد.

رهبران جهادی هرکدام در این جلسه صحبت مختصری داشتند. سخنان حمید گل انعکاس از آن داشت که حوصلهٔ پاکستان از اختلافات مجاهدین بسر آمده است. وی از عدم موجودیت یک طرح از طرف اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان برای آیندهٔ افغانستان اظهار نگرانی شدید نمود.»

مرگ به ظاهر طبیعی هرچند دستان شوم حمیدگل را از کشور ما کوتاه ساخت، اما این جای خوشی ندارد چون حمیدگل‌های بی‌شماری با دستان خونپر در کمین اند تا در سرزمین ما تخم نفاق و جنایت و وحشت و انتحار بکارند. تنها با منکوب‌کردن و راندن چوچه‌های وطنی حمیدگل‌ها از کشور ماست که می‌توان برای همیشه دست ناپاک پاکستان و آی‌اس‌آی و هر کشور و استخبارات دیگر را از سرنوشت وطن و مردم مظلوم ما برای همیشه قطع نمود.



قتل‌عام جوانان شرافتمندی که قصد کمک‌رسانی به کوبانی را داشتند

بیش از سی تن از جوانان مبارز و آزاده ترکیه به روز دوشنبه ۲۰ جولای ۲۰۱۵ در انفجار مرگباری که در کمپ «فدراسیون انجمن‌های جوانان سوسیالیست انقلابی» در شهر سوروچ در جنوب ترکیه (بیست کیلومتری شهر کوبانی) رخ داد، جان شان را از دست دادند. در این حادثه بیش از ۱۰۰ تن زخمی شده اند که حالت پنج تن از آنان وخیم است. تعدادی زیاد قربانیان زنان اند.

حدود ۳۰۰ عضو این فدراسیون زندگی آسوده شانرا کنار گذاشته قصد کمک‌رسانی به جنگجویان قهرمان کوبانی را داشتند. آنان در کمپی در سوروچ گردهم آمده بودند و از آنجا قرار بود مواد کمکی‌ای را که برای اعمار یک پارک برای کودکان کوبانی جمعاوری کرده اند، به آن شهر انتقال دهند.

بسیاری از مردم دولت بنیادگرای اردوغان را پشتیبان داعش در حملاتش بر سوریه و کوبانی و مسبب این جنایت می‌دانند. صلاح‌الدین دمیرتاش رهبر «حزب دموکراتیک مردمی» ترکیه (HDP)، اردوغان را مسئول این قتل‌عام خوانده از هوادارانش در سرتاسر ترکیه و کردستان خواسته در برابر این جنایت دست به اعتراضات بزرگ خیابانی بزنند.

«حزب همبستگی افغانستان» خود را سهیم اندوه خانواده‌های این مبارزان می‌داند که قلب شان برای انسانیت و آزادی می‌تپید. ما مطمئنیم که خون نجیب این انسان‌های شرافتمند و مبارز به هدر نرفته هزاران جوان باوجدان دیگر را برای پیوستن به صفوف مقاومت در برابر وحشت و بربریت داعش و صاحبان جهانی‌اش ترغیب خواهد نمود.

نویسنده: نوید نابدل

ملکه ثریا زن پیشرو و تابوشکن تاریخ ما



یکی از مشخصات دوره کوتاه اما پردستاورد امانی، برداشتن گام های ارزنده در راه رهایی زن بود. ظاهر شدن ملکه ثریا در انظار عمومی و دخیل شدنش در فعالیت‌های اجتماعی امر تاریخی و خارق‌العاده محسوب می‌شد که تا آنزمان حتی در کشورهای منطقه نمونه نداشت. معمول این بود که شاهان مستبد زنان بی‌شمار را فقط در حرامسرای شان نگهداشته همچون یک شی مورد عیاشی قرار دهند. اما شاه امان‌الله، ملکه ثریا و همراهان مشروطه‌خواه شان در کنار لغو بردگی و بیگاری، کوشیدند زنان کشور را نیز از زیر بار زنجیرهای اسارت برهانند.

همسر امان‌الله خان، ملکه ثریا که دختر محمود طرزی، از روشنفکران

پیشگام و عدالت‌خواه کشور ما بود، در تعلیم و تربیت زنان کشور کارهای ارزشمندی انجام داد. در اثر تلاش‌های او، اسما رسمیه طرزی (همسر محمود طرزی) و روح‌افزا (خواهرزاده محمودطرزی) نخستین مکتب دخترانه در تاریخ وطن ما در شهرآرای کابل گشایش یافت؛ اولین نشریه مخصوص زنان به نام «ارشادالنسوان» منتشر شد؛ گروهی از دختران جهت تحصیل به خارج فرستاده شدند و...

ملکه ثریا نخستین زن در جامعه مردسالار ما بود که با برداشتن برقع در لویه جرگه ظاهر شد و همه مردان حاضر را انگشت به دهان ساخت. این تابوشکنی هرچند زمینه را برای تبلیغات زهرآگین غلامان انگلیس و مجددی‌ها آماده ساخت، اما فصل جدیدی در تاریخ کشور ما گشود. این حرکت جسورانه در زمانش به منزله انقلابی در جامعه بود.

ما طی حاکمیت ۱۳ساله کرزی دیدیم با آنکه بانگ گوشخراش و عوامفریبانه «حقوق زن» از هرسو بلند بود، اما این رییس جمهور پوشالی زنش را در زندان ارگ نگهداشت و به قول معروف آفتات و مهتاب رویش را ندید، چون او اصلا به نقش زن در جامعه بالاتر از حرف اعتقادی ندارد. این روزها اگر اشرف غنی، خانمش لورا غنی را اینجا و آنجا علم می‌کند، بیشتر نمایشات مسخره است تا ارج‌گذاری واقعی برای نقش زنان در جامعه چون می‌بینیم که کوچکترین گام عملی درین زمینه نبرداشته است. اگر تاریخ خود را مرور کنیم، نخستین پله‌های ترقی را زنان افغان به زور بازوان و تلاش و خودگذری خود پیموده‌اند نه اینکه آنرا از یک نیروی خارجی، آنچنانی که طی ۱۵ سال گذشته تبلیغ شد، گدایی کرده باشند.

ملکه ثریا اما، همگام با همسر وطندوست و مترقی‌اش در امور دولت‌داری نیز دخیل بوده و در سمت وزیر فرهنگ آن عصر نیز خدمت نمود. در سفر مشهور شش‌ماهه به اروپا، امان‌الله خان را همراهی کرد و وقتی ملاعمرهای جاهل آنزمان زیر نام «ملای لنگ» به اشاره اجانب در مشرقی بغاوت کردند، به سربازان فاتح در محاذهای مختلف نامه‌های تشویق‌آمیز فرستاد و به آنان نیرو بخشید.

در ذیل نامه ملکه ثریا به صاحب‌منصبان و عساکر مقیم منگل را از نشریات آن زمان نقل می‌کنم که در وقتش کار باورنکردنی و بزرگی محسوب می‌شد.

شفقت ملکه تبیان لمعان معظمه افغانستان

منبع: جریده «حقیقت»، ۵ حمل ۱۳۰۴



شفقت ملکه تبیان لمعان معظمه افغانستان

فرمانی است که از حضور حضرت عالیه ملکه معظمه افغانیه شاه خانم صاحبه در اواخر ماه دلو ۱۳۰۳ بنام صاحب‌منصبان و افراد عسکری مقیم منگل فرستاده شده.

از استماع شهامت و استقامتیکه نظر باصلاح و انتباه اقوام فضول و طوائف جهول سمت جنوبی الی‌الآن در معرض امتحان آورده‌اید قلبم را محبت و حواسم را اشفاق شما احاطه نموده حاضرم که شما فرزندان بسالت‌عنوانم را پیام دلجویی و تحسین بفرستم.

ای اولادان دلیران افغان من خوش باشید که این فداکاریها و جانبازیهای شما خاطر حضرت اولی‌الامر متبوع تان را پر از مسرت گردانیده شجاعت و سرفروشی های شما را تقدیر و مظفریت دایمی تان را از خداوند مسئلت و نیاز می‌نماید. باری من هم غالبیت شما را بر اعدا التجاء و سالمیت شما را از خداوند بدعا رجا میکنم ای شیربچه های افغان من.

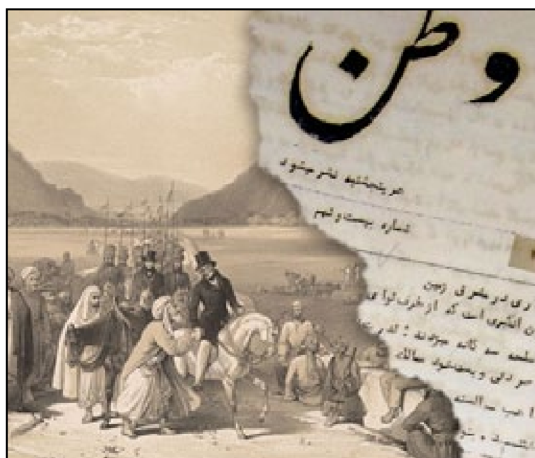
معنی لغات:

تبیان: واضح و آشکار شدن
لمعان: درخشیدن، تلالو، تابیدن
بسالت: شجاعت و دلیری
الی الآن: هنوز و تاکنون
مسئلت: طلب کردن، خواهش کردن
اعدا: عدو، دشمن
رجا: امیدواری، چشم داشت



میر غلام محمد غبار

روش دول استعماری در مشرق زمین



میرغلام محمد غبار، روشنفکر و تاریخ‌نگار مبارز و نامدار افغانستان، حدود شش دهه قبل، دسایس و نیرنگ‌های استعمار در کشورهای مشرق‌زمین را با دقت شرح داده است. او با آنکه بنابر جو اختناق و گریز از سانسور مجبور بود در لفافه سخن گفته و در برابر حاکمان مرتجع وقت هم از زبان نرم کار گیرد، اما به نکات ارزنده‌ای انگشت گذاشته است که امروز هم با وضاحت تمام می‌توان شیوه‌های محیلانه‌تر و رسواترش را با حضور استعمار خونین امریکایی در وطن خود دید.

برای بیداری ملت و آگاهی نسل جوان از این روش‌های استعماری، این مقاله را از شماره ۲۹ هفته‌نامه «وطن»، که با جانفشانی و زحمات غبار و یارانش چاپ می‌شد، بازتایپ نموده در سایت «حزب همبستگی افغانستان» منتشر می‌سازیم.

روش دول استعماری در مشرق زمین

منبع: هفته‌نامه «وطن»، شماره ۲۹، ۱۰ میزان ۱۳۳۰
نویسنده: میرغلام محمد غبار

از قرن ۱۱ باینطرف تاریخ ممالک شرق پر از یک سلسله جنایات حزن‌انگیزی است که از طرف قوای استعمار در مورد آنها تطبیق گردیده است. استعماریون برای استملاک و استثمار آنها دست باسلحه سه گانه میزدند: قدرت نظامی - تولید نفاق داخلی و برانداختن معارف صحیح. و برای دو شق ثانی و ثالث عناصر دنی و پست خود ممالک شرق را بکار میانداختند. روش استعمار در چنین موارد از همه اول متوجه اختلاف ادیان - مذاهب - السنه - نژاد - ایالت - قبیله - خاندان و افراد بوده که این آتش بی‌رحم را توسط هیزم‌کشان داخلی مشتعل میساختند. بنوعیکه آتش‌کده های بلخ و فارس و بمبئی قرن‌ها زبانه میکشید. اینست که در یکجا قضیه «هندو و مسلمان» و در دیگر جا مسئله «ترک و عرب» و در کشوری جدال «سنی و شیعه» در مملکتی داستان «سدوزائی و بارک‌زائی» بمیان می‌آمد و بشکل ارث این مرض خبیث نفاق از نسل بنسل منتقل میگردید و در نتیجه آن میدان استعمار هموار می‌ماند.

> **استعماریون برای استملاک و استثمار آنها دست باسلحه سه گانه میزدند: قدرت نظامی - تولید نفاق داخلی و برانداختن معارف صحیح.**

تمام این جنایات تنها بدست جنس خالص استعماری عملی نمیگردید زیرا ایشان پوره بزبان و عادت و طرز تفکر و مذهب محلی اطلاع نداشتند و هم بنظر بیگانه دیده میشدند. پس این خائنین محلی و شرقی بودند که یا مستقیماً و شعوری یا غیرمستقیم و غیرشعوری نقشه استعمار را برضد کشورهای خویش عملی میساختند. پالیسی استعمار در یک مملکت مبنی بر تضعیف دولت داخلی آنجا بود خواه آن دولت دوست و مطیع استعمار بود و خواه بیطرف و یا دشمن. استعمار میخواست اینگونه دولت‌ها همیشه در نظر ملت منفور و بیگانه بوده و برای حفظ و سلامت خود مجبور باشد تا دست توسل بدامان استعمار زنند و از دیگر طرف ملت‌ها از مظالم دولت‌ها بجان آمده برای قبول

استعمار آماده گردد. پس عوامل استعمار - خارجی یا داخلی - یکدسته متوجه حکومت و دسته دیگر متوجه ملت شده که خود را بهر نوعی بود دوستدار وفادار حکومت بقلم داده ظاهراً خدمات صادقانه بعناوین مامور- طبیب - معلم - مشاور- جاسوس دولت و امثال آن انجام میدادند تا جلب اعتماد حکومت بوده آنگاه بنام خیرخواهی دولت را براه ظلم و استبداد سیاسی و اقتصادی و اختناق فرهنگی وغیره سوق نمایند. دسته دیگر هم بنام مجاهد و ضد استعمار و خیرخواه دین و خدمتگار قوم خود را بملت و متنفذین ملت از قبیل خان و ملا معرفی کرده آنگاه آتش نفاق جهنم مشتعل ساخته وهمه را برضد دولت تحریک و آماده می‌نمایند. از کار های عمده و خطرناک این پیروان استعمار یکی این بود که عناصر صالحه کشور را که روزی مرکز جمعیت و قوت و مصدر خدمتی از خدمات ملی شده میتوانست خواه عالم - خواه مامور - خواه افسر و خواه جوان منور بهر قسمی بود بالای دولت و ملت از بین میبردند و قوم را فرصت بیداری و آگاهی و ترقی‌خواهی و دولت را مجال تحصیل عظمت و قوت نمیدادند.



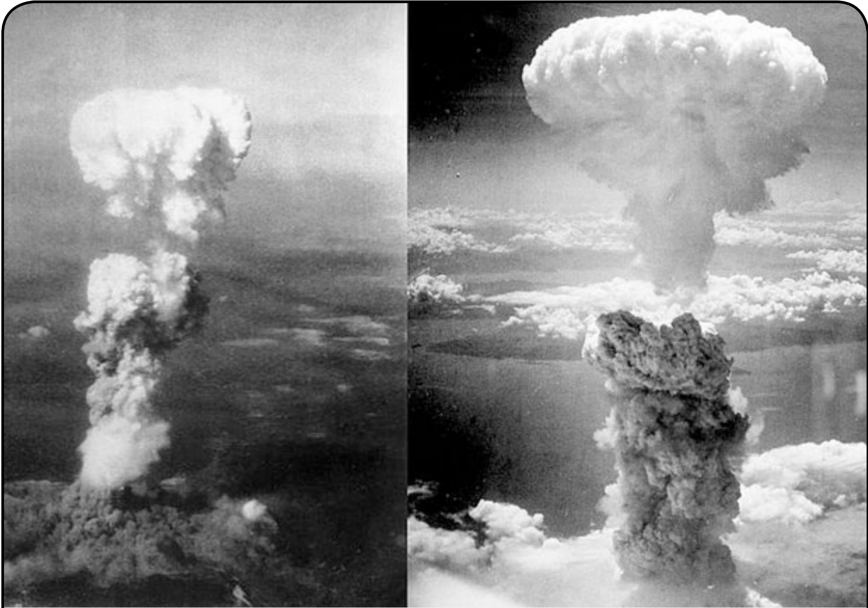
هفته‌نامه «وطن»،
شماره ۲۹، ۱۰ میزان ۱۳۳۰

اینست که در هر دوره مردمان نیک‌خواه کشور بوسائل توطئه و جاسوسی و پروپاگند و امثال آن به نزد ملت بدنام و بی‌اعتبار ساخته شده و یا بالای دولت به عنوان دشمن و خائن از بین برده شده است بطور مثال همینکه امیر شیرعلیخان متوجه ترقی کشور گردید فوراً در بین ملت منسوب به لاقیدی و اعتیاد بمسکرات و... گردیده روزی مجبور بفرار در مزار و محکوم بجان دادن مرموزی گردید. ژنرال ملی و غازی محمد جانخان وردک در جریان جنگ و دفاع از کشور متهم به ارتباط با دشمن گردیده مجبور به انهزام شد. سیدجمال‌الدین افغانی بنام دشمن شاه و دولت متهم و بالاخره از وطن اخراج گردید. عین این قضیه را شما در دوره امیرحبیب‌الله خان می‌بینید. همینکه او بترقی و تمدن جدید و معارف عصری متوجه شد مشروطه‌خواهان اول را بنام دشمنان شاه بالای او در دهن توپ بستند و خودش را تا زنده بود از قبول

ترقی و تمدن متنفر و بدبین نگهداشتند و همچنین بود سرگذشت مشروط خواهان دوم در زندانهای دولتی. بعد از اعلان استقلال افغانستان نیز نهضت جدید مملکت مجددا زیر باران پروپاگند بعنوان کفر و زندقه و الحاد گرفته شد تا بعد از اتلاف هزاران نفوس این نهضت هم خاموش گردید.

امروز هم که اعلیحضرت پادشاه افغانستان مصمم اند ملت خویش را براه ترقی و تمدن و دیموکراسی رهنمون فرمایند و منورین کشور این دعوت مبارک را استقبال نموده و قدم در میدان خدمت گذشته اند باز می‌بینیم که از طرف همان منابع شوم استعمار آواز پروپاگند های زهرآگین نسبت به دولت و ملت بلند گردیده و تخم تفرقه و نفاق - عدوان و انتقام دربین طبقات جامعه بنام منور و روحانی - اغتشاشی و انقلابی - خارج و خارج‌پرستی - مخالف دین - ضد دولت و دشمن ملت در افغانستان پاشیده میشود. و بازیگران مکتب استعمار با جدیت و دسیسه و نفاق‌افکنی و خبرکشی مشغول انجام وظیفه شده اند. تا عناصر جوان و فعال کشور را بدنام و دولت را به فشار نظامی و استبداد وادار و ملت را متنفر و بیزار سازند و یک بار دیگر صدای اصلاح‌طلبی خاموش و نهضت جدید معطل - و دولت به استبداد و ارتجاع مایل و متهم گردد. و در نتیجه قوای کشور ضعیف و راه استعمار مفتوح و قضیه احقاق حقوق پشتونستان نابود شود اما خوشبختانه دیگر آن زمانه های غفلت و بی‌خبری و دوره‌های خوش‌باوری و ساده‌لوحی از بین رفته و بسهولت این نیرنگ و فریب استعمار در افغانستان موفق و کامیاب نخواهد گردید. امروز اکثریت ملت و دولت میدانند که چرا سالها فلان دسته خائن و رشوت‌خوار و فلان خارجی و خارجی‌زاده با تخریب و استثماری که در افغانستان کرده بودند در بین ملت به خیانت ملی و خدمت به خارجی پروپاگند شدند ولی جوانان و منورین مملکت غالباً خائن ملی و خادم خارجی معرفی شده و میشوند البته برای آنکه دسته اولی مانع اجرای مقاصد ناپاک دشمن نبودند و دسته دومی خار راه و جبخانه زیر پای خارجی بوده و خواهند بود.

... درهرحال این وظیفه هر دولت و ملت شرق است در چنین وقت نازک بیدار و ناظر اوضاع بوده این آله‌های استعماری را بهر لباس که باشند بشناسند و برای بقا کشورش آنها را ببرند و دندانهای زهرناک شان را بکشند تا علی‌رغم پالیسی استعماریون و استعمارکنندگان، مملکت قدم به قدم بطرف ترقی و تکامل مادی و معنوی پیش رود.



حمله اتمی امریکا بر ناگاساکی (تصویر راست) و هیروشیما (تصویر چپ)

حمله اتمی امریکا بر هیروشیما ۷۰ ساله شد

در روزهای پایانی جنگ دوم جهانی به تاریخ ۶ آگست ۱۹۴۵ دولت جنایتکار امریکا اولین بمب اتمی تاریخ را بر شهر هیروشیمای جاپان پرتاب کرد. سه روز بعد از این فاجعه، بمب دوم را بر شهر ناگاساکی پرتاب نمود که آن شهر را با خاک یکسان نمود. مجموعا درین دو شهر ۲۲۰هزار تن در همان نخستین روزها جان باختند اما عواقب ناگوار آن با گذشت چندین دهه همچنان برجاست.

یک‌تن از بازماندگان به نام یوکیکو ناکابوشی آن روز را چنین به یاد می‌آورد:

«پس از انفجار بمب تمام شهر در گرد و غبار پیچید... کسانی که نجات یافته بودند به سوی شهرهای دیگر حرکت کردند. در راه ما افرادی را دیدیم که بدن شان سوخته و با خاکستر پوشیده شده بود. کسان دیگری را هم دیدیم که اعضای بدن شان را از دست داده بودند و فریاد می‌زدند که "آب، آب". ما نتوانستیم که به آنان آب بدهیم چون خود ما هم نداشتیم. افرادی را می‌دیدیم که یکی پی دیگر جلو چشم‌های ما جان شان را از دست می‌دادند. روز قیامت بود. این جنایت امریکا در حق مردم جاپان را هرگز فراموش نمی‌کنم.»

با آنکه از این جنایت هولناک علیه بشریت ۷۰ سال می‌گذرد ولی کابوس آن بازماندگان قربانیان را هنوز هم می‌آزارد.

گزارش

ناگفته‌های فاجعه شاه‌شهید از زبان قربانیان



به تاریخ ۱۹ اسد ۱۳۹۴ (۱۰ اگست ۲۰۱۵) بازماندگان فاجعه شاه‌شهید با خشم تمام به جاده ها برآمده علیه دولت و امریکا شعار سر دادند. آنان مدعی اند که دولت در پی پرده افکندن به این حادثه المناک است درحالیکه انفجار شدید احتمالا در اثر پرتاب راکت و یا بمب از سوی طیاره‌های امریکایی بوده است اما نیروهای امنیتی آنرا حمله انتحاری خواندند. تمامی باشندگان محل یکصدا می‌گویند که قبل از انفجار، غرش طیاره و صدای مهیب آمدن راکت را شنیده‌اند که به تعقیب آن قطع برق و انفجار سهمگین رخ داد. آنان در ضمن تعداد کشته‌شدگان را بالاتر از صد تن می‌دانند و می گویند که شماری از اجساد هنوز از زیر آوار بیرون آورده نشده‌اند.

نیروهای امنیتی و لباس‌شخصی‌های «امنیت ملی» که تعداد شان به دهها تن می‌رسید جلو این اعتراض را گرفته با نفوذ در صفوف مردم، تطمیع و حتی خشونت تلاش داشتند صدای آنان را خاموش کنند. مخصوصا آنان در برابر

شعار ضدامریکایی معترضان واکنش نشان داده به مردم می‌گفتند که فقط علیه پاکستان شعار دهند.

«حزب همبستگی افغانستان» ویدیوی کامل این تظاهرات و گفتگو با تعدادی از بازماندگان را به زودی منتشر خواهد کرد. اکثر مردم بر رسانه‌های افغانستان نیز خشمگین اند و ادعا دارند که آنان سخنان شانرا بصورت سانسورشده منتشر کرده‌اند.



مردم می‌گویند تعداد کشته‌شدگان این حادثه بالاتر از صد تن است اما دولت و رسانه‌ها آنرا فقط ۱۵ تن اعلان کردند.



تمامی مردم محل معتقدند که انفجار بر اثر موتر مملو از مواد منفجره نبوده است چون اولا هیچگونه اثری از موتر وجود ندارد و ثانیا قبل از انفجار غرش طیاره و صدای هولناک فرود آمدن راکت یا بمب را شنیده اند.



تجمع اعتراضی بازماندگان بعد از چند دقیقه توسط امنیت ملی و پولیس متفرق شد و به آنان اجازه داده نشد که صدای شانرا به گوش رسانه‌ها برسانند.پدری که دو پسر جوانش را از دست داده است، با فریاد بلند از دردهایش سخن می‌گفت و خواهان روشن شدن حقایق بود.



تعدادی از بازماندگان قربانیان می‌گویند امنیت ملی و پولیس آنان را زیر فشار گرفته تا از گفتگو با رسانه‌ها و محکوم کردن دولت و امریکا دست بردارند.



عبدالله و مسعود دو برادری که در حادثه دردناک شاه‌شهید به شهادت رسیدند.



دولت به جای رسیدگی به قربانیان و بیرون کشیدن شهیدان از زیر آوار ابتدا فوری ساحه انفجار را که حفره بزرگی در آن ایجاد شده بود با گذاشتن دیوار های کانکریتی مسدود نمود تا جلو پخش حقیقت را بگیرند. در پشت این دیوارها، ماشین‌آلات در حال پرکردن و هموارکردن اند تا تمامی علایم و مدارک جنایت نابود گردند.



مردم توته‌های راکت و یا بمب را به رسانه‌ها نشان دادند که از محل انفجار در اولین ساعت جنایت بدست آورده اند. اما نیروهای امنیت مانع کار آنان شدند.

ویدیوی تظاهرات خشماگین قربانیان فاجعه شاه‌شهید (۱۹ اسد ۱۳۹۴)
youtube.com/watch?v=fAQ3Q7OSG50

درد دل بازماندگان قتل‌عام شاه شهید (۲۲ اسد ۱۳۹۴)
youtube.com/watch?v=znL4tcpYQTA

سیلی غفار در کنار قربانیان فاجعه شاه‌شهید (۲۲ اسد ۱۳۹۴)
youtube.com/watch?v=q7QJ-FqAWgc



نویسنده: احمر

«سیگار»
فساد در وزارت صحت عامه را فاش نمود



به تعقیب بلندشدن بوی گند مکتب‌های خیالی توسط وزارت معارف فاروق وردک، این بار کلینک‌های خیالی وزارت صحت عامه تحت ریاست ثریا دلیل نیز فاش شدند.

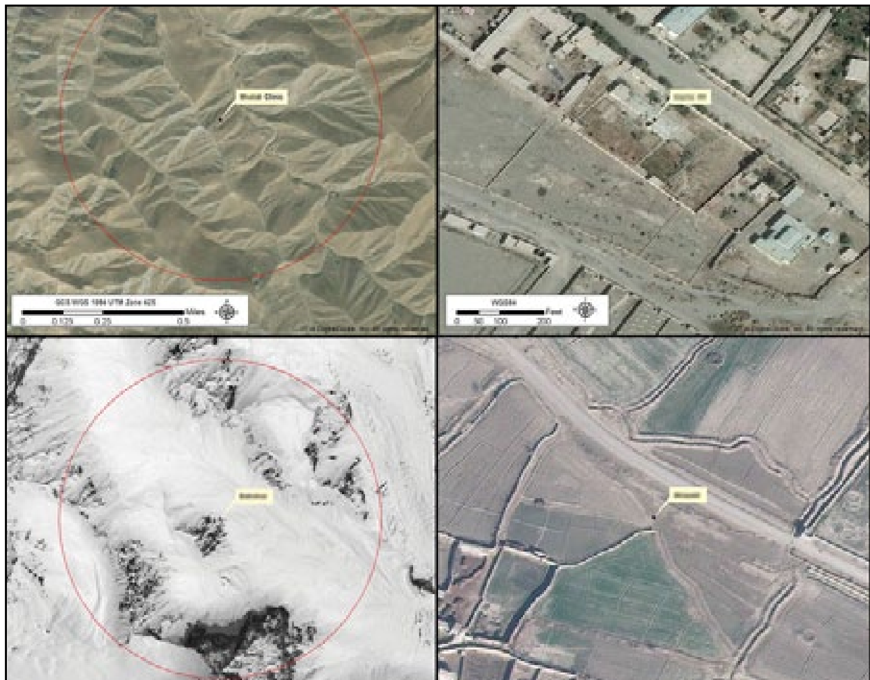
جان سپکو، رییس «بازرس ویژه برای بازسازی افغانستان – سیگار» مسوولیت تفتیش مصارف امریکا از طریق «یو.اس.اید» در افغانستان را دارد. این اداره ظاهرا برای مهار فساد ساخته شده اما این نکته‌ی مبرهن است که با رسیدن پای امریکا به هر کشوری، فساد و چپاول در آن به اوجش می‌رسد و دولت عراق و افغانستان مصداق این امر است. «یو.اس.اید» هم بیشتر برای سفیده‌مالی و روپوشی جنایات دولت این کشور عمل می‌کند.

براساس گزارش «یو.اس.اید»، این سازمان از ۲۰۰۸ تا مارچ ۲۰۱۵، ۲۱۰ میلیون دالر را جهت اعمار و پیشبرد ۶۱۰ کلینک صحی از طریق برنامه

«قراردادهــای همکاری برای صحــت» (Partnership Contracts for Health – PCH) به مصرف رســانیده اســت. جان سپکو از ســازمان نامبرده خواست تا موقعیت کلینک‌های مذکور را برایش بفرســتد و پس از اســتفاده‌ی مختصات طول و عرض جغرافیایی موقعیت‌ها در «جی‌پی‌اس» (موقعیت یاب)، سپکو به نتایج خنده‌آور و در عین حال تکان‌دهنده‌ای رسید. در ۲۵ جون ۲۰۱۵، او طی نامه رسمی به «یو.اس.اید» نوشت:

- ۱۳ کلینــک اصــلا در داخل افغانســتان موقعیت ندارنــد: ۶ کلینک در پاکستان، ۶ در تاجکستان و ۱ کلینک در بحیره مدیترانه؛
- در ۱۳ قضیه، دو کلینک در عین ساحه قرار دارند؛
- ۱۵۰ مختصات طول و عرض هیچ تعمیری را نشان نمی‌دهد؛
- برای ۹۰ کلینک اصلا موقعیتی ارایه نشده است.

افــزون بر آن، نهاد تفتیشــی «ســیگار» چند تصویر ماهــواره‌ای موقعیت کلینک‌های متذکره را نیز به نشــر رســانیده که به وضوح می‌توان دید، نشانی تعدادی از کلینک‌ها قلعه کوه، مزرعه یا دشــتی را نشــان می‌دهد که اصلا تا چندین کیلومتر خبری از یک چپری‌خانه هم نیست.



تصاویر ماهواره‌ای «سیگار» از موقعیت کلینک‌ها

وحیدالله مایار، سخنگوی «وزارت صحت عامه»، در مصاحبه‌ای با «رادیو آزادی» (۱۱ سرطان ۱۳۹۴) گزارش «سیگار» را رد ننموده، گفت:

«بدون شک، ما این را رد نمی‌کنیم که حیف و میل صورت گرفته باشد، راپورهایی موجود بود. به همین خاطر، رهبری جدید وزارت در هماهنگی با سازمان صحی جهان و چند موسسه‌ی دیگر، سروی‌های وسیع و گسترده‌ای را در سرتاسر افغانستان به راه انداخته تا دریافت بکند که در کدام ساحاتی سفید یا وایت ایریاز موجود است. این دریافت‌های آن‌هاست. ما دریافت‌های خود را به زودی انشاالله با مطبوعات شریک می‌سازیم.»

مثال بالا را نمی‌توان پدیده عجیب تلقی کرد، چون از دولت‌های دست‌نشانده و خیله‌خند به‌مثل افغانستان چیزی بیشتر را نباید توقع داشت. درحالی‌که میلیاردها دالر تحت عنوان کمک و اعانه به مردم افغانستان سرازیر شده، لیکن بخش عمده این کمک‌ها جنایتکاران و تکنوکرات‌های غرب‌نشین را فربه‌تر ساخته است. مردمان نگونبخت این سرزمین نه تنها در روستاها که در شهرها نیز مجبور اند برای مداوای ابتدایی‌ترین بیماری‌های شان راهی پاکستان شوند. در آنجا هم شکار پولیس، راننده، داکتران و کارمندان حریص آن کشور می‌شوند که شرح آن از حوصله این گزارش به دور می‌باشد.



۴ جنوری ۲۰۱۴: سمیع‌الله، کودک ۸ ماهه‌ای در شفاخانه بست در لشکرگاه که از نوع پیشرفته سوءتغذیه رنج می‌برد. شفاخانه‌های افغانستان درمورد افزایش سوءتغذی وخیم درمیان کودکان گزارش داده‌اند. (عکس و شرح آن از دانیل بیریهولاک برای «نیو یارک تایمز»)

مراکز دولتی و خصوصی صحی کشور در حال اسفباری قرار دارند،

ولـی به‌طور نمونه «کلینک صحی ولایتی» را مثال می‌زنیم که نهاد «سـیگار» در اکتوبر ۲۰۱۳ گزارش ۲۲ صفحه‌ای را از یافته‌های بازرسـی شـان به نشر رسانیده‌اند:

در فبــروری ۲۰۱۱، «نیروهای نظامی امریکایی» قرارداد اعمار کلینکی را در قریه ولایتی کابل به ارزش ۱۹۴۵۷۲ دالر امریکایی با «شـرکت ساختمانی بنیــاد وطن» بســتند. اما زمانی که بازرس ویژه امریکا جهت نظارت به سـاحه می‌رود، وضعیت به گونه‌ی دیگری اســت. سـه تعمیر مربــوط کلینک مطابق نقشه‌ی برنامه‌شده اعمار نگردیده‌است؛ اتاق برای پمپ آب اصلا وجود ندارد؛ از سـه پایه آب‌گرم‌کن، یکی‌اش موجود نیســت؛ باوجود گذشـت دو سال و تقاضای مکرر بزرگان منطقه به وزارت صحت عامه کشــور، هنوزهم از وسایل و کارمنــدان صحی خبری نیســت و تعمیر کلینک خالی اســت. در اخیر این گزارش نتیجه گرفته شــده که ۲۰۰هزار دالر مالیه‌دهندگان امریکایی کاملا به هدر رفته‌است.



کلینک غیرقابل‌استفاده ولایتی (عکس از: «سیگار»)

نکته مهم این اســت که کلینک مذکور در کدام منطقه دوردست نورستان یا بدخشــان نه، بلکه در پایتخت کشــور و چند کیلومتری وزارت صحت عامه موقعیت دارد.

بســیاری کشــورها را می‌توان مثال آورد که در ظرف ده سال شهروندانش تقریبا از خدمات رایگان صحی بهره‌مند می‌باشند، ولی در افغانستان:

- حداقل یک شــفاخانه معیاری عامه اعمار نگردید و بیشترین مریضان در شفاخانه‌های پاکستان و هند سرگردان اند؛

- در پوهنتون‌های طبی کشــور هنوز هم تدریس با مواد و روش‌های سی، چهل سال قبل ادامه دارد؛

- مطابق آمار «سازمان صحی جهان»، افغانستان سومین کشوری با رقم بالای مرگ و میر کودکان زیر سن پنج است. یعنی در هر ۱۰۰۰ کودک، ۲۵۷تن پیش از رسیدن به سن پنج سالگی جان می‌دهند؛

- براساس آمار «صندوق جمعیت ملل متحد - یوان‌اف‌پی‌ای» و «صندوق کودکان ملل متحد - یونیسف»، افغانستان بلندترین آمار مرگ و میر مادران در هنگام زایمان در آسیا و دومین را در جهان داراست. یعنی در هر ۱۰۰ هزار زن حامله، ۱۶۰۰ زن در هنگام ولادت جان می‌بازند که در هر سال به ۲۴هزار می‌رسد و ٪۸۷ موارد قابل جلوگیری اند؛

- نیمی از کودکان دختر و پسر افغان بنابر سوءتغذی از ضربات نابرگشتنی ذهنی و جسمی رنج می‌برند؛

- افغانستان از جمله سه کشور جهان است که هنوز هم کودکانش به مرض فلج اطفال (پولیو) مصاب اند؛

- درحالی‌که کشورهای متعدد جهان بر امراضی چون وبا (کولرا) و سل (توبرکلوز) فایق آمده‌اند، ولی در افغانستان از جمله امراض عام به شمار می‌روند؛

- برای معالجه و حتا تشخیص سرطان‌ها و تبدیل گرده و دیگر اعضای بدن، ابتدایی‌ترین امکانات هم موجود نیست؛

- ورود بی‌کیفیت‌ترین ادویه به کشور؛

- و ده‌ها فاجعه دیگر.



بامیان: زنی با کودکانش در انتظار داکتر در کلینک یکاولنگ

نکات بالا نگاه گذرا بر وضعیت ابتر صحی است، لیکن در دولت فاسدپرور افغانستان رسم دیگریست. هرگز هیچ وزیری یا مقام بلندرتبه دولتی مورد بازپرس قرار نگرفته و محاکمه نشده‌اند. سوال اینجاست که چرا این دو وزیر مورد بازپرس قرار نمی گیرند؟ محمد امین فاطمی وزیر سابق صحت هم پس از یک دوره پرفساد وزارت، به یکی از کشورهای آرام و بی‌درد سر در قضایای افغانستان یعنی جاپان به‌حیث سفیر فرستاده شد، تا روزهای خوشی را

سپری کند. ثریا دلیل وابسته به «گلیم جم» فقط بلد بود که همچون ستاره‌های زن هالیود در پرده‌های تلویزیون ظاهر شده و برای تغذیه کودکان از شیر مادر تبلیغ کند، منتظر کرســی مهم اســت و یا به خانه خارجی‌اش برگشته و انتظار فرمان بعدی ارباب را می‌کشد که در کدام مقام دیگر گماشته شود.

در افغانســتان تا کنون بارها اسناد وحشتناک فساد و غارتگری‌های مقامات بلندپایه بیرون داده شــده اســت اما عوامل آن فقط از یک کرســی به کرسی دیگری نشانده شده‌اند. صرفا تشریح فساد و ارایه اسناد مشکل را حل نمی‌کند. تا زمانی که افراد فاسد و آنانی که دهن جوال را گرفته‌اند، محاکمه و مجازات نگردند، دزدی و حیف‌ومیل ادامه خواهد داشــت. لیکن، این یک توقع محض از دولت دست‌نشانده و پوسیده افغانستان است.



کارتون یک قرن قبل در «سراج‌الاخبار افغانیه»

کارتونیست: غلام‌محمد خان

این کارتون بیش از یک قرن پیش در جریان جنگ اول جهانی، در شماره اول، سال چهارم «سراج‌الاخبار افغانیه» به تاریخ ۱۴ ســنبله ۱۲۹۳ (۶ ســپتامبر ۱۹۱۴) به نشر رسیده است. «ســراج‌الاخبار» در عصر امیر حبیب‌الله خان تحت مدیریت محمود طرزی منتشــر می‌شــد که باوجود قیدوبندهای ســلطنت، از طریق آن سعی می‌ورزید مردم افغانستان را با تمدن و افکار مترقی آشنا سازد.

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵

لیکونکی: احمر؛ ژباړونکی: احمد فولاد

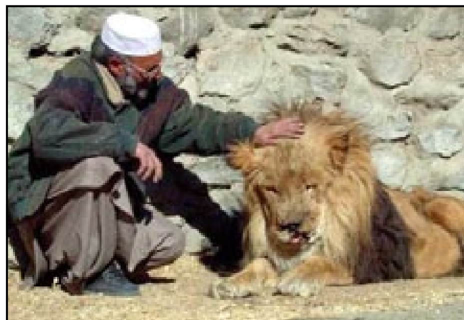
د «مرجان» یادونه: هغه زمري چې ددی خاوری د وګړو په څیر کړیدلې!



په افغانستان کې تیرو څلور لسیزو جګړو نه یواځې ددې خاورې ولسونه د غم او ویر په تغر کښېنول بلکې په حیواناتو یې هم ترحم ونکړ. د جګړو په جریان کې ژوې او ځنګلونه له منځه ولاړ او د تنظیمي لوټمارو قوماندانانو په وسیله پاکستان ته قاچاق شول. که څه هم ددې بدمرغیو ذکر په هره ځانګه کې کتاب لیکنې ته اړتیا لرې، لیکن یوازې د «مرجان» وژونکي ژوند داستان هیواد د ټولو معصومو حیواناتو حال را برسیره کولاې شي.

مرجان، د کابل په ژوبڼ کې یو نر زمری و چې په ۱۹۷۶ زیږدیز کال کې د المان هیواد په کلن ژوبڼ کې زیږدلې و او په ۱۹۷۸ زیږدیز کال کې کابل ژوبڼ ته ډالۍ شو. څه موده وروسته «بچوړې» بنځه زمرې د مرجان سره یوځاې شوه. وروسته لدې دغه جوړه زمریان په کوربه انسانانو د کودتاچیانو «خلق او پرچم» لخوا د جنایاتو شاهدان وو، پرته لدې چې پوه شي یو ورځ به دوي هم ورسره مخ کیږي. وګوني پیښوري او اته ګوني ایراني ګوندونو د

ناپوهۍ چاره زموږ د خلکو په مرګ کېښوده او دا ځل وار د «مرجان» او د «بچوړي» سره د ژوبڼ د نورو حیواناتو رارسیدلی و.



د تنظیمي جګړو د پیل سره، د ژوبڼ حیوانات لـه خوار ځواکۍ کړېدل. د ژوبڼ ساتونکو چې د کلونو راهیسې د حیواناتو سره ځانګړې لیوالتیا پیدا کړې وه، هره ورځ به د سر په بدل پرته له کوم امتیاز او حق الزحمه څخه ژوبڼ ته تلل تر څو خپلو زړه ته نږدې معصومانو پالنه وکړي. هغوي به د جنګ د ږومبیو کربنو څخه په تیریدو د منډوي څخه میوه، ترکاري او سخا خواړه او د قصابانو څخه به یې ناکاره غوښه او هډوکي د ژوبڼ حیواناتو لپاره راوړل.



سوین کوارد، هغه انځورګر خبریال چې د مرجان د ټپي کیدو وروسته خپله کیمره نندارچي ته ورکوي تر څو انځور واخلي او خپله د بڼ ساتونکي سره یوځای د مرجان مرستې ته ورودانګل.

د کابل ښار د تنظیمي جګړو په مورچل بدل شوی و. د ژوبڼ سیمه د وحدت ګوند او د شورای نظار ترمنځ د جنګ لومړنۍ کربښه وه او ډېری برخه یې د حزب وحدت تر ولکې لاندې وه. د ژوبڼ ساتونکو په وینا ځکه خو ددې ګوند ملیشو د خپل واک په لومړیو څو ورځو کې د بڼ ډیری الوتونکي مرغان او هوسۍ کباب کړې او ویخوړلې، او آن تر دی چې د باغ پر ښځینه ژوو یې جنسي تیری هم وکړو. د باغ یو تن ساتونکی، ښاغلی اکبر چې په اکه اکبر مشهور و شپه او ورځ به په باغ کې اوسیدو بالاخره د طالبانو د واکمنۍ په توره دوره کې مړی یې د کابل په سیند کې وموندل شو، خپل یو ملګري ته یې ویلې و چې زه فکر کوم دوی به دغه جنایات په خپلو ماشومانو هم روا ګڼي. ټول بڼ د راکټو د لړیدو له امله نړېدلی و. اکه اکبر ویل هغوی

د حیواناتـو د درد د تسـکین لپـاره هیڅ درمـل نه درلودل ترڅـو هغوي ته یـې تزریـق کړي. په دغه کلونو کې یواځې د ګوتو په شـمیر حیوانات و چې د تنظیمي بربریت څخه روغ راوتل چې یو هم په کې «مرجان» و.

لیکن د ۱۳۹۳ کال مني، د مرجان او بچوړي لپاره ډېر خواشـینوونکی و. د وحدت ملیشـه او خلک د دواړو زمریانو پر خواوشـا راټول شوي و. د ژوبڼ تر ځنګ د وحدتي پوستې یو ځنور په دې خاطر چې خپلو ملګرو ته یی خپله میړانـه او غیرت ښـودلی وي انګړ تـه ورننوځي او په (ښـځینه زمری) لاس راکاګي بچوړی غبرګون نه ښـه یي ولې مرجان (نر زمری) د انګړ له بلې خوا په دغه وحشـي انسـان یرغل کوي او په څو شیبو کې ټوټه ټوټه کوي او ناوړه ژوند ته یې ورله د پای ټکی ږدي. دا د نر زمریانو یوه ځانګړتیا ده چې زمری، بچوړي او انګړ ته د ګواښ په صورت کې ترینه ساتنه وکړي.

خلک ټول خوریږي مګر سـبا ته د وژل شـوي ټوپکوال ورور چې د حزب وحـدت په بله پوسـته کې د خلکو په وژلو او لوټلو بوخت و، رارسـیږي او په مرجان لاسـي بم ور اچوي. مرجان، د خوړو په ګمان لاسـي بم په لور ټوپ کوي، چې دې سـره بم چوي او مرجان مخ ډېر سـخت ټپي کیږي. سـوین کونـارد، انځوریـز خبریال چې ددې جنایت په وخت کې په ژوبڼ کې شـتون درلود، خپله کیمره نندارچي ته ورکوي او خپله د بڼ سـاتونکو سـره یوځای د مرجان مرستې ته وردانګې او لومړنۍ مرسته ورسره کوي چې له دغې لړې څو قطعې انځورونه هم په واک کې لرو.

څه موده وروسـته، مرجان د «بې پولې ډاکترانو» او « نړیوالو ډاکترانو» له لوري جراحي شو چې په پایله کې مرجان خپله یوه سترګه او څو غاښونه د لاسـه ورکړل ولې د سـر څخه د یوې چرې په ایستلو کې ډاکتران پاتې راغلل چې له امله یې مرجان یوه سـترګه، د خولې یوه برخه او د اوریدلو ځواک یې له لاسـه ورکړو، لیکن خپل دردونکي ژوند ته یې بیا هم دوام ورکړ او تر پایه پورې په دې و نتوانیدو چې هډوکي لرونکي غوښه وخوري.

پـر کابل د طالبان د یرغل څو ورځې وروسـته، یو ځـل بیا د طالبان یوې ډلـې په مرجـان برید وکړ. هغوی غوښـتل چې مرجان په کانـو وولي، ژوبڼ ساتونکي د طالبان یو تن مشر ته ورځي او ورته وایي چې مرجان مه وژنئ دا ځکه چې د اسلام ستر پیغمبر هم د حیواناتو ساتلو سره لیوالتیا درلوده چې له دې کبله مرجان ژغورل کیږي.



مرجان ۲۰۰۲ کال د جنورۍ په ۲۸ چې د (۱۳۸۰) سره سمون لري د ژوبڼ په انګړ کې د سلګونو غمجنو پر وړاندې خاورو ته وسپارل شو.

مرجان سره له دې چې ډیرې سختې ورځې شاته پریښودې، بالاخره په ۲۰۰۲ زیږدیز کال کې که څه هم د بهرنیو متخصصینو د درملنې لاندې و، خو د ځیګر او د پښتورګو د کار لویدو له امله یې خپلو ټولو هغو ترخو او خوږو خاطراتو ته د پای ټکی کیښود چې ددې نړۍ د انسانانو څخه یې د ځان سره درلودلې، هغه په ۲۰۰۲ زیږدیز کال د جنورۍ په ۲۸ چې د (۱۳۸۰ ه ش ۸ دلو) سره سمون لري د ژوبڼ په انګړ کې د سلګونو غمجنو پر وړاندې خاورو ته وسپارل شو.

د مرجان پر قبر په ولاړه لوحه کې لیکل شوي: «۲۳ کلن مرجان، د نړۍ تر ټولو نامتو زمرۍ».

د ژوبڼ په ننوتونکی دروازه کې د هغه یوه برنجي مجسمه هم ځای پر ځای شویده.



جان والش، هغه متخصص چې د مرجان د ژوند په وروستیو میاشتو کې د هغه پاملرنه کوله، وایي:

«مرجان، د افغانستان د خلکو یوه بیلګه ده، هغه زوړ دی، خو ددې خاورې په شان د سختو پړاونوڅخه تیریږي لیکن د افغانستان د خلکو په څیر میړنی وه».

د مرجان د ژوند د وروستیو شیبو په اړه د بی‌بی‌سي راپور:

youtube.com/watch?v=KUB-SQLwDvk

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵



نویسنده: نوید نابدل

جنایتکاران افغان در فیسبوک محاکمه اینترنتی می‌شوند!



فضای مجازی فیسبوک و سایر شبکه‌های اجتماعی، با همه جنبه‌های منفی و مثبتش، این روزها به صحنه محاکمه دولت دزدان و جنایتکاران و حامیانش مبدل شده است. با توجه به اهمیت روزافزون این شبکه‌ها، حال هر قوماندان بی‌سواد و غارتگر هم به نام خود صفحه‌ای درست کرده و یا کسانی را استخدام کرده‌اند که از این طریق برای شان تبلیغ کنند. اینان با صرف دالر اعلان می‌دهند تا «لایک» جمعاوری کنند. اما خوانندگان این پست‌ها نیز آرام ننشسته، معمولا زیر پیام‌ها و تصاویر این عناصر آن چنان نظرات کوبنده‌ای می‌گذارند که شاید اکثر صاحبان این صفحات را از حضور در فیسبوک پشیمان نموده باشند.

در فضایی که رسانه‌ها دردها و افکار ملت را به‌صورت شایسته انعکاس نمی‌دهند، شبکه‌های اجتماعی وسیله‌ای شده برای جمع وسیعی از هموطنان ما

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵

تا دیدگاه‌ها و تنفر شـان از جو حاکم و از رهبـران غارتگر و معامله‌گر را در نوشته‌های شان انعکاس دهند. باید تلاش نمود که همین جنبه کار در فیسبوک را برجسـته نموده به نسـل جوان یـاد داد که به جای غرق‌شـدن در نزاع‌های بـی‌ارزش و مخرب قومی و سـمتی و زبانی و یا گذاشـتن پسـت‌های مبتذل، تیکه‌داران قوم و مذهب و زبان و سـمت را از هر قماشـی که باشند، آن چنان مورد بمبارد حقایق قرار دهند که از سرزدن به این شبکه‌ها گریزان شوند.

به‌طور نمونه، به تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۱۵، در آستانه عید سعید فطر، «عبدرب الرسول سیاف» در صفحه رسمی فیسبوکش طی پیامی از مردم خواسته بود که «به کسـانیکه بدون عذر شرعی روزه را خوردند و این فریضه را بجا نکردند» عیـد مبارکی نگویند. در زیر این متن، صدها پیام هموطنان ما را می‌توان دید که جز یک اقلیت کوچک هم‌حزبی‌هایش، اکثریت پیام‌دهندگان حرف سیاف را بـه روی خودش کوبیده او را تحـت محاکمه اینترنتی قرار داده‌اند. در این صفحه سـیاف به حدی بی‌آب شده که هموطنی به نام شفیع‌الله حمیدی برایش نوشـته اسـت: «لطفا از فیسـبوک منصرف شـو هیچ کس از تو خوش نیست کامنتها را بخوان.» و دوسـت دیگری به نام ایمل ثبات نوشته‌است «محبوبیت شما بین مردم را در کامنت‌ها کیف کردم...»



قابل توجه روزه داران محترم!
کسانیکه بدون عذر شرعی روزه را خوردند و این فریضه را بجا نکردند به دو دلیل به آنها عید را مبارک نگوئید :
اول -- عید اظهارخوشی و تجلیل ازانجام موفقانه فریضه روزه است و کسیکه از ادای این فریضه قصدا و بدون عذر شانه خالی کرده اند مستحق مبارکی و شاد باش نه بلکه مستحق نفرت هستند . و دیگر اینکه به شخص ناکام تبریک گفتن دشنام و اهانت است و ما مسلمانان به کسی دشنام نمیدهیم . واین شخصیکه روزه نگرفته در امتحان الله (ج) ناکام مانده.
دوم -- عید از جملهء شعایر اسلام است و اگر ما به کسانیکه روزه هم نگرفته اند مبارکی بگوییم . عید در نظر مردم العیاذ بالله حیثیت رواج و عنعنه را پیدا خواهد کرد و ما به هیچصورت مرتکب این جرم نمیشویم که شعایر اسلام را به رواجها وعنعنات بدل کنیم .

مطلبی که به تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۱۵
در صفحه رسمی سیاف نشر گردیده بود.

مـن چکیده‌ای از پیام‌های این هموطنان را جمعاوری نموده، در ذیـل نقل می‌کنم کـه می‌رسـانند این «رهبران» که داد از «جهاد و مقاومت» و داشتن «پایه مردمی» می‌زنند، تـا چه حد بیـن مـردم منفـور انـد و هموطنان ما با آگاهی از گذشـته شان، چه خوب اینان را در حریم فیسبوکی خود شان مورد بازخواسـت شایسته قرار داده‌اند. البته قابل توجه است که اینان اکثر پیام‌های مخالف را حذف کـرده و پیام‌دهندگانش را «بـلاک» می‌کنند که در آینده

امکان اظهار نظر در پست‌های شان را نداشته باشند.

Bashir Rahimi
پروفیسور صاحب در مورد کسانیکه روزه میگیرند ولی از غذای که با آن افطار میکنند خون مردم است و در مکان که افطار میکنند زمین غصب شده مردم میباشد چه نظر داری؛ آیا عید را برایش تبریک بگوییم؟
Unlike · Reply · 176 · 6 hrs

Sayed Nadir
واعظان که وعظ برمحراب ومنبرمیکنند
چون به خلوت میروندآن کارك دیگرمیکنند
Like · Reply · 14 · 3 hrs

Hameedullah Ahmadi
کسانیکه بجاي روزه به جریبها جریبها زمین دولتي را میخورد ، به اتان عید را تبریك بکویم؟؟؟
97 · July 16 at 8:04am

Abdul Azim Moradi
آقاي پرفیسور.؟؟؟ کساني که 40 سال است حق مردم راه خورده. وبخاطر چوکی قدرت میلیونها انسان را شهید کرده ومیلیونها انسانها مهاجر کرده ومیلیون ها زن ره بیوه ساخته. ومیلیونها. کودك را یتیم کرده؟ وهزاران جنایت دیگر. از نظر جناب عالي تکلیف این جنایتکار. چه است؟ عید را تبریك بیگیم؟؟
2 · July 16 at 2:37pm

Mohamed Ali Bin Osman
استاد گرامی یک پیشنهاد دارم. بروید و ریش مانند جارو پر اشپش خود را تراش کنید و بعد بیایید از مردم برای گناهاتتان بخشش بخواهید و بعد به درگاه خدا توبه کنید. بعد از آن مال مردم را که به ناحق غصب کرده اید پس بدهید. پس از نماز شما و روزه شما شاید قبول شود. شرم کنید تان در خون مردم می زنید و فکر می کنید اولاد خدا هستید
July 16 at 4:52pm · Edited

Ahmad Rukai Amiry
ای مفتی شهر، ما ز تو بیدار تریم
با این همه مستی ز تو هشیار تریم
تو خون کسان خوری و ما خون رزان
انصاف بده! کدام خونخوار تریم؟
10 · July 16 at 1:33pm

نمونه‌ای از پیام‌های هموطنان ما زیر تصاویر و مطالبی
که توسط جنایتکاران به نشر می‌رسند.

و اینهم چند پیام دیگر از میان صدها پیام:

Hekmat Rahmani
از دست شما ها همه روزه مردم ما خون گریه میکند روزه خود را با خون گریه افطار میکنند سربازان دلیر ما روزه خود را با نان خشک آب افطار میکنند و شما هستیند که روزه تان را با صد نو غذا افطار میکنید، آیا گاهیهم از خود پرسیدید که شما چگونه به این کرسی های

بلند رسیدید؟ امروزه در خون همه شهدای ما شما دست دارید هر هموطن که شهید میشود از دسیسه های سیاسی و به قدرت رسیدن شما است خداوند .....

Sayed Nadir

واعظان که وعظ برمحراب ومنبرمیکنند
چون به خلوت میروندآن کارک دیگرمیکنند

Hujatullah Noorie

۳۰ سال شد خون مردم را میخوری هنوز هم سیر نشدی.

Riza Masroor

تو جلاد کسی نیستی که از عید یا از گناه و ... حرف بزنی ,

Wali Paghmani

برای کســانیکه در زمان جهاد دختران کم سن وسال را اختطاف نموده وبه باداران عرب خود فروختند باید تبریک بگوئیم یا خی؟

Sefatullah Nimati

شما که مسلمان باشی ما ره تیر از اسلام.

Sameem Aryan

برادر از ریش سفید خونچکان این ظالم، و خنخوار، هنوز هم دعوای حقیقت داری؟

Sorgul Ghuosi

سیافک خاموش باش کابل را قبرستان جور کردی

Ahmad Osmani

اگر حرف دلت را میزدی بهتر بود اینکه من والی خدا برروی زمین هستم و روزه خواران راهم با اعضای فامیلشــان بایک راکت نوع RPG به درجه مرداری میرســاندم //// جناب استاد چرا فکر میکنید که شــما معمور مخصوص خدا برزمین هســتید وبه قول خودتان قانون شــریعت بهترین قانون برای ملتها میباشد؟ شریعت شما یا گلبدین یا ملا عمر یا البغدادی یا ملا فصلو یا خامنه یی یا آلسعود یا یا یا یا . چرا از انسانیت هیچ حرفی به معغز کوچکتان نمیرسد؟

Hanan Faizi

موتر ضد مرمی بادیگاد های بیشمار خانه های لوکس ارکندیشن دار شش رقم پلو چلو چهار قســم کباب ده نوع میوه وغیره خوردنی ها که باشد باید که از شکم سیر خود فتوا صادر کند !!!!!

... ادامه پیام‌ها را در ویبسایت ما بخوانید:

hambastagi.org/new/fa/farsi-received-articles/1329-execution-of-afghan-criminals-in-the-internet.html

نویسنده: واحد منصوری

محاکمه دیکتاتور چاد، الگویی برای رسیدگی به جنایات جنگی در افغانستان



حسین حبری، رئیس جمهور سابق چاد که متهم به جنایت علیه بشریت، شکنجه و جنایت جنگی است در محکمه‌ای در داکار، پایتخت سنگال، تحت محاکمه قرار گرفت. محاکمه او حاصل ۲۵ سال تلاش و دادخواهی است که توسط متضررین و بازماندگان قربانیان صورت گرفت.

حسین حبری (Hissène Habré) به تحریک فرانسه با یک کودتای نظامی در ۱۹۸۲ قدرت را در دست گرفت. رژیم مستبد حبری اعضای بسیاری از گروه‌های قومی چاد را تحت تعقیب قرار داده به قتل رسانید. او مسئول مرگ نزدیک به ۴۰هزار انسان و شکنجه دوصد هزار نفر دیگر قلمداد گردیده است. در طول حاکمیتش، او از حمایت امریکا و فرانسه برخوردار بود. امریکا به علت داشتن تضاد شدید با رهبر لیبی معمرالقذافی، که در همسایگی چاد قرار دارد و مناسبات پرتنشی باهم داشتند، از این دیکتاتور حمایت می‌نمود تا از این طریق لیبی را دچار بی‌ثباتی سازد. سازمان «دیده‌بان حقوق بشر» در گزارشی می‌نویسد که امریکا با وجود اطلاع از قساوت پولیس مخفی چاد، به آموزش و تجهیز آن ادامه داد و کمک‌های فراوان مالی و تسلیحاتی به رژیم حبری نمود. دونالد نورلند (سفیر امریکا در چاد از ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۱) به «دیده‌بان حقوق

بشـــر» گفته است: «سی.آی.ای شدیدا در به قدرت رسانیدن حبری دخیل بود و من نمی‌توانم تصور کنم که آنان از آنچه در آنجا می‌گذشت بی‌خبر بودند.»

روزنامه «واشنگتن پست» به تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰ از «یک مقام بلندپایه گذشـــته امریکا» نقل می‌کند: «حبری بطور قابل‌ملاحظه فرد توانا بود و هوش درخشـــان داشـــت که چطور با جهان خـــارج بازی کنـــد. او همچنان یک فرد خونخوار، ســـتمگر و شکنجه‌گر بود. منصفانه است که بگویم ما می‌دانستیم که کیست و چه می‌کند ولی به آن چشم بستیم.»

حبری تا سال ۱۹۹۰ در قدرت باقی ماند و سپس حاکمیتش به دست جنرال ارتش «ادریس دبی» سرنگون شد و خود وی با میلیون‌ها دالر به کشور سنگال در غرب افریقا فرار نمود. دولت بلژیک بارها نظر به قوانین «جنایات جنگی» (قانون خاص آن کشـــور که طبـــق آن می‌تواند موارد جدی جنایات جنگی را در هر نقطه‌ای از جهان که به وقوع پیوســـته باشد در محاکم آن کشور پیگیری کند) خواهان اســـترداد حبری شـــد اما دولت ســـنگال باوجود تاکید «اتحادیه اروپا» به این درخواست جواب منفی داد.

در ســـال ۲۰۰۶ اتحادیـــه افریقا «به نام ملت‌های افریقا» از دولت ســـنگال محاکمه وی را خواســـتار شـــد و بعد از مناقشات چندین ســـاله و فشار «دیوان بین‌المللی عدالت» (ICJ) متعلق به ســـازمان ملل متحد، در ۲۰۱۱ دولت سنگال آماده شد که مشترکا با اتحادیه افریقا، محکمه خاصی را برای پیگیری جنایات وی برپا نماید که متعاقبا حبری در ســـال ۲۰۱۳ برای بار دوم دســـتگیر و بعد از تحقیقـــات ۱۹ماهه در اوایل جولای ۲۰۱۵ محاکمه او رســـما آغاز گشـــت. چهارهزار نفـــر از قربانیان در محکمه رئیس جمهور ســـابق چاد حضور دارند. ۱۰۰ تن از آنان در برابر قاضی شهادت دادند. اتهامات بر مبنای هزاران سندی مطرح شد که در سال ۲۰۰۲ کشف شدند.

حبری جنایتکار که اکنون ۷۲ ســـال دارد به پینوشه افریقا مشهور می‌باشد. بـــرای اولین بـــار در تاریخ، محکمه دیکتاتور یکی از کشـــورهای افریقایی در کشـــور دیگری از این قاره برگزار می‌شود. بالاخره در سال ۲۰۰۸ محکمه‌ای در چاد او را به اعدام محکوم کرد.

در دوران ریاســـت جمهوری حبری دهها هزار تن از مخالفان سیاسی توسط پولیس بازداشـــت شده به قتل رسیدند که بسیاری از اجساد در گورهای جمعی دفن شـــدند. همرالاغوز نام محوطه یکی از گورهای جمعی دوران حبری است

که رژیم خوفناکش از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ بر این کشور حاکم بود. این ناحیه در حاشیَه انجامنا پایتختِ چاد، یکی از تاریک‌ترین فصل‌های تاریخ این کشور را در خود پنهان کرده است.

جنت نگاربای یکتن از قربانیانِ زن است که در محکمه شهادت داد:

«به همه جای تنم دست زدند، سینه‌ها، همه جا. گفتم باردار هستم و منتظر کودک. من این کودک را در شرایط خیلی سختی به دنیا آوردم. روی زمین می‌خوابیدیم. بچه گریه می‌کرد، من گریه می‌کردم، بقیه زنها گریه می‌کردند. خیلی زار زدیم. آرزوی مرگ می‌کردیم. اما از مرگ خبری نبود... من می‌خواهم همه‌ی اینها تمام شود. برای اینکه نمی‌خواهم نه فرزندم نه خویشاوندم و نه هیچ انسان دیگری همان رنج‌هایی را که من کشیدم تحمل کنند... من منتظر این محکمه هستم، من می‌خواهم که عدالت در مورد ما اجرا شود.»

بسیاری به این باور اند که محکمه‌ی ویژه‌ای که به طور مشترک از سوی سنگال و اتحادیه افریقا برای رسیدگی به اتهامات رهبر سابق چاد تشکیل شده است، می‌تواند الگویی برای محاکمه‌های بعدی جنایتکاران ضد بشریت باشد.



امریکا در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان از حامیان اصلی حبری به شمار رفته از او در کاخ سفید پذیرایی نمود، اما حال که این دیکتاتور کاربردی به امریکا ندارد، دولت اوباما وعده سپرده که یک میلیون دالر به خاطر مصارف محکمه او به سنگال پرداخت نماید.

چاد با بیش از ده میلیون نفوس مرکز راه‌های تجاری و ارتباط میان افریقای شمالی و افریقای مرکزی و یکی از کشورهای فقیر جهان است. به دلیل مداخلات استعمارگران، محصور بودن در خشکه و عدم دسترسی به دریاهای آزاد، وسعت زیاد و گسترش صحراها، و بالاخره عدم ثبات سیاسی تاریخی ناشی از اختلافات بخش شمالی و جنوبی، سال‌هاست که در ناامنی و وضعیت بد اقتصادی قرار دارد. همچنین خشکسالی سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ و وابستگی به کمک‌های خارجی

شماره ۳۴، اسد ۱۳۹۴ - اگست ۲۰۱۵

این عقب‌ماندگی را تشدید کرده است. چاد سالهای طولانی مستعمره فرانسه بود و هم‌اکنون نیز به دلیل منافع اقتصادی در قاره نفت‌خیز افریقا در مسایل سیاسی این کشور مداخله دارد. جنگ بر سر نفت در قاره سیاه بیشتر از سوی امریکا، انگلستان، فرانسه و چین تمویل می‌شود و جناح‌های درگیر از کمک مالی و تسلیحاتی همین دولت برخوردار اند.

الگویی برای افغانستان!

گذشته از مرزهای افریقا، محاکمه حسین حبری به مثابه جنایتکار جنگی، الگوی مناسبی برای محاکمه جنایتکاران جنگی افغانستان نیز خواهد بود که لیست جنایات و پلیدی‌های شان طولانی‌تر و موحش‌تر از کارنامه ننگین حبری است. سرزمینی که بیش از چهار دهه است از سوی جنایتکاران معلوم‌الحال بلعیده شده و صدهاهزار انسان به طور وحشیانه شکنجه و به قتل رسیده اند. جنایتکارانی که امروز اکثراً از سوی امریکا و غرب و سازمان ملل متحد حمایت می‌شوند و با ریختن میلیاردها دالر به جیب شان، به جای اینکه به محاکمه کشانیده شوند، بار دیگر بر گرده‌های زخمی ملت ما تحمیل شده اند.

حبری هم تا روزی که برای امریکا و غرب کاربرد داشت او را در قدرت نگهداشتند و همچون لته‌پاک مورد استفاده قرار دادند، اما امروز که او یتیم شده است به آسانی تیغ عدالت به گلویش رسیده و دیگر سرمایه‌های هنگفت هم نمی‌تواند او را از چنگ قانون و عدالت رهایی بخشد. این سرنوشت محتوم تمامی غلامان بیگانگان و حاکمان جلادپیشه و خاین است.

برخی‌ها به‌ویژه حامیان قلم‌بدست و ظاهرا چیزفهم و تحلیل‌گران حامی این جنایتکاران از سال‌هاست که داد می‌زنند پشت محکمه و رسیدگی به جنایات جنگی نگردید و دهل «بخشش و آشتی» را به صدا درآورید. اما نمونه‌هایی از محاکمه جنایتکاران جنگی در کشورهای دیگر به ویژه این مورد تازه در چاد به بازماندگان قربانیان و دادخواهان نیروی تازه می‌بخشد تا تلاش‌های شانرا چند برابر کرده و متحدانه علیه جنایتکاران جنگی صدا بلند کنند و به مبارزه خستگی‌ناپذیر ادامه دهند.

نشریات «حزب همبستگی افغانستان» را در کابل و ولایات از آدرس‌های ذیل به دست آورده می‌توانید:

کابل

نمایندگی انجمن نویسندگان افغانستان
جوار پارک تیمور شاهی

شرکت کتاب شاه محمد
چهارراهی صدارت

کتاب فروشی مقدم
مارکیت جوی شیر کابل

انتشارات طیب روشن،
کوته سنگی، مارکیت مینه یار، مقابل کورس بهزاد

کتابخانه وحدت
نیاز بیک، دکان حاجی

کتاب فروشی معلم محمد وحید
د افغانستان آریانا مارکیت، دکان اول

کتاب فروشی رفیع الله
پل باغ عمومی، لب سرک، زیر پشتنی بانک

انتشارات تمدن شرق
بین چهارراهی دهبوری و چوک کوته سنگی، مقابل لیسه رحمن بابا

هرات

کتاب و قرطاسیه فروشی عبدالجبار "یعقوبی"
جکان غوند یازده،
مقابل مکتب متوسطه خلیل الله خلیلی

بلخ

کتاب فروشی عبدالغفور عرفانی
کتاب فروشی عبدالرازق انصاری
مزار شریف، چهارراهی بیهقی،
پوسته خانه شهری

کتاب فروشی فیروز
مقابل نشنل بانک پاکستان

غزنی

کتاب و قرطاسیه فروشی توحید
شهرک البیرونی، جاده خاتم الانبیا

کتاب و قرطاسیه فروشی احمدی
پلان سوم، کوچه زیارت خواجه علی

کتاب فروشی فرهنگ ۱
جوار کتابخانه عامه

کتاب فروشی فرهنگ ۲
سرک تانک تیل کهنه، رسته نجارها

ننگرهار

غرفه فروش اخبار و مجلات جمیل شیرزاد
جلال آباد، چوک تلاشی،
مقابل گمرک کهنه

کتابفروشی سیار
ولسوالی خیوه

کندز

قرطاسیه فروشی محمد هارون
جاده ولایت

کنر

کتابفروشی احمد ظاهر
چغانسرای، سرک قومندانی

تخار

فوتوکاپی آمو، نجیب الله رحیمی
تالقان، بندر بدخشان، مقابل فوائد عامه،
دکان نمبر ۱۰

فراه

کتابفروشی عزیزی
واقع ناحیه سوم،
مقابل لیسه نفیسه توفیق میر زایی

هموطنان درد دیده،

اگر خواهان افغانستان مستقل، آزاد و دموکرات هستید؛ اگر آرزوی سربلندی افغانستان و آسایش مردم مظلوم ما را به دل دارید؛ اگر تلاش می‌ورزید علیه جنایات و خیانت‌های اشغالگران و نوکران میهن‌فروش شان نقشی ادا کنید، به «حزب همبستگی افغانستان» بپیوندید و در تکثیر و پخش نشریات حزب تان هرچه بیشتر و وسیع‌تر بکوشید!

آدرس: پست بکس شماره ۲۴۰، پسته خانه مرکزی
کابل ـ افغانستان

موبایل: 0093-700-231590
ایمیل: info@hambastagi.org
سایت: www.hambastagi.org
فیسبوک: FB.com/Afghanistan.Solidarity.Party
facebook.com/hambastagi
تویتر: twitter.com/hambastagi
یوتیوب: youtube.com/AfghanSolidarity

«حزب همبستگی افغانستان» برای پیشبرد فعالیت‌هایش به حق‌العضویت اعضا و اعانه‌ی هواداران و دوستدارانش اتکا دارد. با کمک‌های نقدی‌تان ما را یاری دهید:

Azizi Bank
Koti-e-Sangi Branch, Kabul, Afghanistan
Name: Sayed Mahmood
Account No: 001903204644917

THE Voice of Solidarity
(HAMBASTAGI GHAG)
A Monthly Publication of the Solidarity Party of Afghanistan

34
AUGUST
2015

ملکه ثریا
زن پیشرو و تابوشکن تاریخ ما

صفحه ۲۶



قیمت: ۲۵ افغانی